

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۴

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال دوم

- ۶ • **داوری و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی**
سید جمال سیفی
- ۲۰ • **جنبه های حقوقی برنامه عمل مشترک ژنو میان ایران و گروه ۵+۱**
نادر ساعد
- ۳۹ • **چالش های فراروی نقض موافقتنامه های سازمان جهانی تجارت**
مجتبی مرّوت
- ۷۱ • **نگرشی بر مفاهیم عدالت و عدالت گرایی از دیدگاه مبانی الزام حقوق بین الملل**
اکبر ادیبی
- ۱۲۵ • **ارزیابی نقض حقوق بشر در بحرین بر اساس هنجارهای حقوق بین الملل بشر**
مهرداد محمدی
- ۱۶۲ • **تبیین مفهوم صدور و انتقال آلودگی در حقوق بین الملل**
سید هادی پژومان
- ۱۹۸ • **بررسی تطبیقی مسؤولیت متصدی حمل و نقل در قبال خسارت به کالا**
مهراسا محبی
- ۲۱۷ • **معرفی کتابخانه برخط (آنلاین) پژوهشکده حقوقی شهر دانش**
الهام السادات الوانکار





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32714.html

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۲۴، نیمسال دوم ۱۳۹۲
صفحات ۳۹ الی ۷۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۰

چالش‌های فراروی نقض موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت

مجتبی مروّت*

چکیده: نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت، موافقتنامه‌های تحت پوشش را با تفاهم‌نامه حل اختلاف، درهم تنیده که این امر، تعهدات اعضا را تابع فرآیند اجباری از مشورت، داوری، استیناف و اجرای مؤثر درآورده که مآلاً هدف آن‌ها، امحاء تخلف بدون صرف هزینه و عدم ایراد لطمه به روابط تجاری اعضا است. سازمان با وجود تمام پیشرفت‌های حاصله، نقایصی را نیز در نظام حقوقی خویش تحمل می‌نماید که برخی مفسران از این امر، تحت عنوان «بحران مشروعیت» یاد نموده‌اند. از این منظر، چالش‌هایی اساسی پیش‌روی سازمان وجود دارد؛ از قبیل جهانشمولی سازمان و مشکل در یکپارچه‌سازی آزادسازی تجارت، فرسایش اصل عدم تبعیض، حاکمیت محوری دولت‌های عضو، معضل عدم انسجام و هماهنگی لازم با سازمان‌های بین‌الدولی، عدم شفافیت در تعامل با جامعه مدنی، نقایص نظام حل اختلاف، هندسه تغییرپذیر و ناپایدار، آثار منبعت از تصمیم‌گیری‌های نهادین، ملاحظات سیاسی، آیین‌های بعضاً غیرمؤثر و نقش ضعیف مدیرکل سازمان. همچنین به طور خاص از رهگذر نقض موافقتنامه‌ها، مشکلاتی نیز دامنگیر اعضا و ارکان سازمان می‌شود که از یکسو به روابط معاهداتی اعضا با یکدیگر، صدمه وارد می‌سازند و از سوی دیگر، بر کارکرد مؤثر و مطلوب سازمان و همچنین بر شیوه‌های جبران تأثیر مستقیم دارند. فلذا تحلیل چالش‌های ناشی از نقض

موافقتنامه‌ها، موضوع اصلی تحقیق حاضر است.
کلیدواژه‌ها: سازمان جهانی تجارت، زوال یا لطمه به منافع، موافقتنامه‌های
 تحت پوشش، حل و فصل اختلافات.

۱- مقدمه

در حقوق بین‌الملل عام ادعا و چگونگی طرح آن، از گستردگی و تنوع برخوردار بوده و با توجه به «اصل رضایی» بودن، وجود «صلاحیت» در پرتو داشتن «منفعت حقوقی» طرفین اختلاف تعریف می‌گردد. به علاوه، مفاهیم مشتق از اصل «حاکمیت» دولت‌ها در زمینه حل اختلافات، از مذاکرات دیپلماتیک گرفته، تا توسل به مراجع خاص قضایی و یا داوری، طیف وسیعی را شامل می‌شوند؛ لکن همین طیف، با ورود به قالب مقررات سازمان جهانی تجارت، از یک اصل اختیاری و رضایی به یک «سازوکار حقوقی دارای ضمانت اجرا» مبدل شده‌اند. از این رو، اعضاء در توسل به هر اقدامی، علی‌الخصوص اقدامات یکجانبه و یا اقدامات متقابل و جبرانی، یله و رها نمی‌باشند؛ بلکه ملزم به تمکین از مقررات سازمان می‌باشند.

با توجه به اینکه موافقتنامه‌های دور اروگوئه، متشکل از موافقتنامه‌ها، ضمیمه‌ها، تصمیم‌ها، اعلامیه‌های وزیران و تفاهم‌نامه است که مشتمل بر ۵۵۸ صفحه می‌باشد و در کنار آن‌ها، جداول امتیازات تعرفه‌ای، الزامات خاص، معافیت‌ها از اصل ملت کامله‌الوداد و پروتکل‌های الحاق، اسناد دیگر تعهدآور سازمان را تشکیل می‌دهند؛ اما مهم‌ترین ویژگی اسناد اروگوئه، اعتقاد بر «تعهد واحد» بودن کل موافقتنامه‌هاست. خصوصیت این دور مذاکراتی تهیه، تدوین و تصویب قواعد و آیین رسیدگی به اختلافات است؛ از جمله هیأت‌های حل اختلاف به بررسی ادعای زوال یا لطمه به منافع اعضاء می‌پردازند که رویه (شبه) قضایی آن‌ها بر مواد ۲۲ و ۲۳ گات استوار گردیده است. علی‌هذا تمام موافقتنامه‌ها و کل نظام تجاری سازمان، با تفاهم‌نامه، درهم تنیده شد که حداقل به لحاظ نظری، تمام تعهدات دیگر را تابع فرآیند اجباری از مذاکره، داوری و استیناف و نظارت بر حسن اجرا می‌سازد.^۱

نکته قابل توجه اینکه، از بین رفتن یا لطمه دیدن منافع و یا ایجاد مانع در راه حصول منافع، معیار اصلی در نقض موافقتنامه‌ها به شمار می‌آید که بر این اساس در

۱. امیدبخش و دیگران، سازمان جهانی تجارت: ساختار، قواعد و موافقتنامه‌ها، چاپ اول، (تهران: شرکت چاپ

و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵)، ص ۴.

گات ۱۹۴۷ چند نوع طرح دعوی پیش بینی شده است: الف- شکایت‌های مبتنی بر نقض^۲: بر اساس قسمت الف بند ۱ ماده ۲۳ گات، این دادخواهی نتیجه قصور طرف دیگر در انجام تعهداتش است. در نتیجه این قصور زوال و لطمه به منافع سایر اعضا به وجود می‌آید. این شکایت‌ها بیشترین مصادیق اختلافات را به خود اختصاص داده‌اند. ب- شکایت‌های غیرنقض^۳: مطابق قسمت ب بند ۱ ماده ۲۳ گات، این نوع شکایت‌ها در مواردی استفاده می‌شود که هر اقدامی توسط یک عضو دیگر، چالش ایجاد کند حتی اگر مغایرتی با مفاد گات ۹۴ نداشته باشد. این نوع شکایت‌ها در گات ۴۷ و سازمان جهانی تجارت مصادیق عملی چندانی، به خود اختصاص نداده‌اند. ج- شکایت‌های موقعیتی^۴: بر اساس بند ج ماده فوق‌الاشعار، این نوع از دادخواهی‌ها، هرگونه وضعیتی را تحت پوشش قرار می‌دهد که منجر به زوال و لطمه به منافع اعضا سازمان گردد. این پیش‌بینی، پاسخ به نگرانی‌هایی است که به نوعی، اعضا را به اصطکاک کشانده و آن‌ها را از یک اقدام اجرایی، تقنینی و یا قضایی عضو دیگر، متأثر نماید. در گات سابق، تعداد بسیار کمی از این شکایت‌های نوع سوم، مطرح شدند که هیچ‌کدام از آن‌ها، منجر به گزارش هیأت حل اختلاف نگردیدند؛ در سازمان جهانی تجارت نیز تاکنون مصادیقی از این نوع شکایت‌ها، وجود نداشته است.^{۵ و ۶}

ملاحظه می‌شود که بنیانگذاران سازمان، به جای اینکه ضمن هر موافقتنامه، مبادرت به بیان ضمانت‌اجراهای ناشی از نقض آن پردازند، راحت‌ترین راه را برگزیده‌اند؛

2. Violation Complaint

3. Non-Violation Complaint

4. Situation Complaint

5. 'dispute settlement', World Trade Organization, accessed March 29, 2014, http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/disp_settlement_cbt_e/c4s2p1_e.htm

۶. شکایت‌های غیرنقض مصادیقی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل است که در مباحث نظام مسؤولیت مطرح می‌شود. بر اساس ماده مذکور، طرح ادعای زوال یا لطمه در سه وضعیت نقض، غیرنقض و سایر موقعیت‌ها کاربرد دارد؛ اما صرفاً مفهوم نقض می‌تواند در سیاق گاتس یا تریپس اعمال شود؛ به‌طور نمونه، یک عضو ممکن است تعهد نماید تا به حقوقدانان خارجی اجازه انجام مشاوره بدهند. سپس تصمیم بگیرند حقوقدانان داخلی آن فعالیت را ارائه دهند. یا بر اساس تریپس، یک عضو متعهد می‌شود که حمایت از کپی‌رایت برنامه‌های رایانه‌ای را فراهم سازد، اما متعاقباً تصمیم می‌گیرد که مقامات محلی مجاز می‌باشند که نسخه‌هایی از برنامه‌های رایانه‌ای خارجی برای مقاصد خاص، کپی‌برداری نمایند. بنابراین متن موافقتنامه‌ها همیشه به صورت واضح، مفهوم نقض را روشن نمی‌سازند بلکه به آیین حل و فصل اختلاف، ارجاع می‌دهند؛ اما در عین حال عضو شاکی در مواردی متأثر می‌گردد که مقررات یک موافقتنامه، مستقیماً توسط یک اقدام دولتی و متناسب به عضو دیگر، نقض شوند.

Christopher Arup, *The New World Trade Organization Agreements*, (UK: Cambridge University Press, 2000), p. 71.

چراکه پس از بیان یکسری قواعد و مقررات و اصول کلی تجارت چندجانبه، صرف‌اینکه در اثر اقدام اجرایی، تقنینی و یا قضایی یکی از اعضا، منفعت یا امتیازی از عضو دیگر زائل شود و یا لطمه ببیند و یا مانعی در جهت حصول منافع ایجاد شود، عضو مربوط را تبدیل به «عضو مسؤل» می‌کند. به مجرد پیدایش چنین مفهومی در روابط دو عضو، تعهد به رجوع به تفاهم‌نامه حل اختلاف، مطرح می‌گردد. تفاهم‌نامه نیز مبادرت به تعیین اصول راهنما، جدول زمان‌بندی حل اختلاف، چگونگی رجوع طرفین به مراجع حل اختلاف و نحوه اجرای احکام و توصیه‌ها، می‌پردازد. تخطی از این سیکل تعهدات، پیامدهایی را برای عضو متمرّد، ایجاد می‌سازد که شیوه‌های جبرانی سازمان ام‌ن‌های و موقتی (اعاده وضع به حالت سابق، غرامت و تعلیق تعهدات یا امتیازات) نقش بسزایی در تعیین حدود حقوق و تکالیف عضو شاکی و خاطی، ایفاء می‌نمایند.

در این مقال با در نظر داشتن مفهوم نقض و ارکان مسولیت اعضا سازمان، در صد پاسخ به این پرسش بنیادین برآمده‌ایم که سازمان و اعضا آن در مواجهه با نقض موافقتنامه‌ها، با چه موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌باشند؟ برای ایجاد تصویری از این چالش‌ها، لازم است ابتدائاً مختصری به عنصر نقض تعهد، یعنی زوال یا لطمه به منافع اعضا پرداخته و سپس اهم این چالش‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۲- زوال منافع و لطمه به آن و یا ایجاد مانع توسط اعضا سازمان

مفهوم «زوال یا لطمه به منافع»^۷ و ایجاد مانع بر حصول منافع به‌عنوان معیارهای بنیادین برای سنجش تبعیت اعضا از موافقتنامه‌های تحت پوشش، به کار می‌رود که با نقض همراه با خسارت پیوند دارند. در این راستا، استناد به رکن قابلیت انتساب، رابطه سببیت و عنصر ورود ضرر نیز به عنوان مسائل فرعی اما مرتبط، مورد توجه قرار می‌گیرد.

در تعریف لغوی مفهوم «زوال یا لطمه به منافع» اعضا، بیان شده که زوال منافع به معنای از بین رفتن ارزش یا اثر چیزی است و لطمه به منافع به معنای آن است که باعث شود چیزی کارایی و مطلوبیت کمتری داشته باشد؛ به ویژه از طریق صدمه به کارکرد آن.^۸ اما در سیاق مقررات سازمان، تعریف حقوقی این مفهوم «صدمه به منافع و انتظارات یک کشور ناشی از عضویتش در سازمان جهانی تجارت، از طریق تغییر در

7. Nulification or Impairment of Benefits

8. 'Nulification', Macmillan dictionary, last visited March 24, 2014, <http://www.macmillandictionary.com/dictionary/british/nullify.html>.

رژیم‌های تجاری یا قصور در انجام تعهدات سازمانی دولت دیگر» است.^۹ این مفهوم از موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نشأت گرفته و جهت حمایت از کاهش تعرفه توافق شده و توازن امتیازات به کار گرفته شده و پس از ورود در ماده ۲۳ گات ۱۹۴۷ متعاقباً از طریق تفاهم‌نامه به نظام حقوقی سازمان رسوخ کرد.^{۱۰} در این خصوص تفاهم‌نامه تأیید می‌نماید که شکایت‌های مبتنی بر ادعای نقض، غیر نقض و موقعیتی، هر کدام پیش‌شرط‌های حقوقی ماهوی و موافقتنامه مربوط به خود را دارا می‌باشند؛ به ویژه موافقتنامه کشاورزی، یارانه‌ها، گاتس و تریپس در این خصوص حاوی مقررات مهمی می‌باشند.^{۱۱} از این منظر، نفع یا منافع زائل شده یا لطمه دیده، به مثابه خروج دولت عضو، از ریل سازمان بوده که آثار و تبعاتی را برای عضو یا اعضاء متضرر و حتی خود سازمان و ارکان اصلی و فرعی آن در پی دارد. متأثر شدن منافع اعضاء و یا ایجاد مانع جهت نیل بدان‌ها که در نتیجه عدم تعادل حقوق و امتیازات باشد، معضلاتی را برای اعضاء ایجاد می‌کند.

برخی از این معضلات، در مباحث مرتبط با حقوق مسئولیت عرفی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و می‌گیرند؛ مانند بر هم خوردن تعادل طرفین، ایجاد تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و مخاطرات مدنی و سیاسی بر کشورها و اتباع آن‌ها، اجرای صحیح حقوق و تکالیف دولت قربانی و مسئول پس از صدور احکام، چگونگی اعمال شیوه‌های جبران و غیره. اگرچه این چالش‌های عمومی در روابط فی‌مابین اعضاء سازمان نیز به وجود می‌آید؛ لکن در این مقال، به بیان مهم‌ترین مشکلاتی می‌پردازیم که ناشی از ایجاد مانع و یا زوال منافع و یا لطمه به منافع اعضاء باشد.

۳- چالش‌های ناشی از کارکرد سازمان جهانی تجارت

گذشته از موانع و مشکلات موجود در حقوق بین‌الملل نوین و نقاط ضعف در ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل عام، باید در نظر داشت که سازمان جهانی تجارت مانند هر نهاد دیگری، نیز با مشکلاتی مواجه است و نقایصی در نظام خویش، تحمل می‌نماید.

9. Damage to a country's benefits and expectations from its WTO membership through another country's change in its trade regime or failure to carry out its WTO obligations.

Nullification or Impairment, WTO, visited July 2, 2013, http://www.wto.org/english/thewto_e/glossary_e/nullification_and_impairment_e.htm.

10. Ernst-Ulrich Petersmann, *The GATT/WTO dispute settlement system: international law, international organizations and dispute settlement*, (Boston: Kluwer Law International, 1997) 142-146.

۱۱. برای اطلاعات بیشتر، نک: لوفلد، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه محمد حبیبی مجنده (تهران: جنگل،

عده‌ای مفسران از این امر تحت عنوان «بحران مشروعیت»^{۱۲} نام برده‌اند.^{۱۳} از زمان راه‌اندازی دور دوحه، موانع جدیدتری نیز ظهور یافته‌اند؛^{۱۴} مانند موضوع جهانشمولی سازمان جهانی تجارت و عدم یکپارچه‌سازی آزادسازی تجارت، فرسایش اصل عدم تبعیض، حاکمیت محوری دولت‌های عضو^{۱۵}، فقدان انسجام و هماهنگی لازم با سازمان‌های بین‌الدولی، عدم شفافیت و تعامل با جامعه مدنی، نحوه حل اختلافات، هندسه تغییرپذیر و ناپایدار سازمان، مداخلات و ملاحظات سیاسی و اقتصادی و نقش کم رنگ دبیرکل.^{۱۶ و ۱۷}

به‌طور خاص، رشد سریع قدرت‌های سیاسی و اقتصادی، اقتصادهای بزرگ در حال ظهور همچون برزیل، هند و چین، تأثیر عمده‌ای بر عملکرد سازمان، به جا گذاشته است. فقدان پیشرفت در مذاکرات تجاری چندجانبه دور دوحه، نشانه‌ای از این است که همه چیز درخصوص تصمیم‌گیری و سازوکار قاعده‌سازی سازمان خوب پیش نمی‌رود. از سوی دیگر، تکرر موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای، در واکنش به وضعیت بغرنج مذاکرات چندجانبه نیز ناشی از رویگردانی از سازمان به سمت «ترتیبات منطقه‌ای» می‌باشد.^{۱۸} از سوی دیگر، در حالی که حمایت عمومی برای آزادسازی تجاری در کشورهای پیشرفته، رو به افول است؛ لکن در کشورهای در حال توسعه بیشتر بر منافع موافقتنامه‌های تجاری برای اقتصادهای داخلی‌شان، اهمیت قائلند.^{۱۹}

آنچه در گزارش‌های تنظیمی ارکان سازمان مشهود است، تبیین مشکلات کلیدی و پیشنهادهایی برای اصلاح سازمان، بدون ایجاد موافقتنامه‌های جدید است. برای رفع این

12. Legitimacy Crisis

13. Debra P Steger "The Struggle for Legitimacy in the WTO" In Debra P. Steger. *Peace Through Trade: Building the WTO*, (London: Cameron May Ltd, 2004), p. 287.

۱۴. لازم به ذکر است که متعاقب درخواست مدیر کل در سال ۲۰۰۵ گروه کارشناسان درخصوص نگاه

بلندمدت به‌آینده سازمان به‌عنوان یک نهاد، گزارشی تحت عنوان «آینده سازمان جهانی تجارت» مشهور به «گزارش ساترلند» منتشر نمودند. همچنین در سال ۲۰۰۷ کمیسیون مستقل دیگری جهت بررسی نقش سازمان در

سیستم تجاری چندجانبه به ریاست آقای پیر پتیگرو تشکیل گردید که به این مشکلات اشاره نموده‌اند. Ibid

15. John H. Jackson, *Sovereignty, the WTO, and Changing fundamentals of International law*, (UK: Cambridge university Press, 2006), p. 18.

16. Peter Sutherland and others, *The Future of WTO: Addressing Institutional challenges in the new Millennium*, (Switzerland, Report by the consultative Board, 2004), p. 9.

۱۷. برای ملاحظه گزارش ساترلند به زبان فارسی، نک: پیتر ساترلند، آینده سازمان جهانی تجارت: نگرش

اقتصادی، ترجمه وحید بزرگی و سایرین، (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۶).

18. Debra P. Steger, THE FUTURE OF THE WTO: THE CASE FOR INSTITUTIONAL REFORM, *Journal of International Economic Law* 12(4), 2009, p. 804.

19. Report of the First Warwick Commission, *The Multilateral Trade Regime: Which Way Forward?* (UK: University of Warwick, 2007) p. 11.

چالش‌های کلی و حصول به کارآمدی سازمان جهت نیل به اهدافش، مدیریت داخلی آن نیاز به بازبینی دارد. گذشته از آن، باید موضوع وجود اختیارات کافی در اتخاذ اقدامات و تصمیمات لازم، تجهیز ارکان جهت واکنش مناسب و فوری به تغییر وضعیت‌ها، وجود آیین‌های خاص تصمیم‌گیری و همچنین قاعده‌سازی بر اساس واقعیت‌های موجود، در کانون توجه قرار گیرد.

البته درخصوص نوع معماری سازمان و لزوم اصلاحات در آن، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. از دیدگاه کسانی که تمرکز اصلی سازمان را بر آزادسازی تجارت می‌دانند؛ از جمله رابرت ولف، پتروس ماورودیس، رابرت لارنس، عملکرد مؤثر سازمان در قالب یک «سازمان مبتنی بر عضویت»^{۲۰} تعریف می‌شود که سازمان را نیازمند اصلاحات عمده و ایجاد قواعد تجاری جدید و مآلاً وسعت بیشتر می‌دانند.^{۲۱} در مقابل عده‌ای دیگر، کارکرد سازمان را بیشتر شبیه گات ۱۹۴۷ می‌دانند و صرفاً آزادسازی تجاری را هدف کلیدی سازمان می‌انگارند. این عده، معتقد به ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری در سازمان نمی‌باشند و رویه تصمیم‌گیری مبتنی بر کنسانسوس را تنها وسیله مشروع، مؤثر و منصفانه در اتخاذ تصمیم در آینده می‌دانند. اینان به‌طور کلی تغییر و اصلاح و یا ایجاد هیأت مدیره و یا وجود سایر کمیته‌ها را در امر تصمیم‌گیری سازمان، روا نمی‌دانند.^{۲۲ و ۲۳} اما به نظر می‌رسد مشکل این افراد با قاعده‌سازی و تصمیم‌گیری در سازمان، با کنسانسوس و یا قواعد مربوط به تصمیم‌گیری نباشد، بلکه بیشتر با فقدان سازوکارهای رسمی در مراحل آغازین و میانی قانونگذاری یا پروسه‌های هنجارسازی باشد. به‌علاوه فقدان یک مدیریت یا رکن اجرایی، مانند هیأت مدیره صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی، انحراف در سازمان را دامن می‌زند. از اینرو، زمان آن فرارسیده که یک «هیأت مدیره رسمی محدود اعضاء»^{۲۴} در سازمان ایجاد شود و همزمان نقش مدیرکل و دبیرخانه تقویت گردد. با توجه به اینکه سازمان با فقدان شفافیت و پاسخگویی در برابر سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی، مواجه است، تنوع پارلمانی سازمان در جبران این

20. Member-driven organization

21. Debra P. Steger, *op. cit.*, p. 805.

22. *Ibid.*

۲۳. لازم به ذکر است که در این باره دیدگاه‌های متفاوت دیگری نیز وجود دارد؛ همچون کنسانسوس با

رای‌گیری موزون. برای اطلاعات بیشتر و مطالعه دقیق‌تر دیدگاه‌های موجود در این زمینه، نک:

John H. Jackson, 'The WTO "Constitution" and Proposed Reforms: Seven "Mantras" Revisited' *JIEL* 4 (2001), p. 74.

24. Formal Limited – membership management board

نقیصه، نقش مهمی ایفا می‌کند.^{۲۵}

۴- نقض موافقتنامه‌ها به مثابه نقض سند تأسیس

اجرای صحیح موافقتنامه‌های تحت پوشش و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، دغدغه تمام اعضاء سازمان است. اندراج مهم‌ترین قواعد و مقررات، در ضمام سند تأسیس سازمان که جزء لاینفک سند موسس می‌باشند، به همان اندازه که قواعد اولیه را مهم جلوه‌گر می‌نماید، به همان مقدار، نگرانی‌ها را نیز بابت ایجاد تنش و تضاد منافع و بر هم خوردن اصل تبادل منافع اعضاء و نتیجتاً زوال یا لطمه به منافع سایرین و یا ایجاد مانع افزایش می‌دهد.^{۲۶}

موافقتنامه‌های تحت پوشش دربردارنده اصول و قواعدی هستند که نقض را به هیچ شکل و اندازه‌ای بر نمی‌تابند (مگر در موارد تجویز شده) و بنا به حساسیت و درجه اهمیت که مقرر برای اعضاء دارد، واکنش‌ها نیز به نقض آن گسترده‌تر و مؤثرتر است؛ به علاوه اگرچه پروتکل‌های الحاق و جدول امتیازات هر عضو با عضو دیگر متفاوت است؛ اما این ناهمگونی در تعهدات ناشی از موافقتنامه‌ها وجود ندارد و اساساً تعهدات اعضاء ناشی از موافقتنامه‌ها، واحد است و منصرف از رفتار ویژه به نفع کشورهای در حال توسعه، اصول مندرج در موافقتنامه‌ها، دارای اهمیت حیاتی برای بقاء سازمان و ایجاد تعادل میان اعضاء، می‌باشد. بنابراین در حالت کلی، با توجه به جایگاه و اهمیتی که سند تأسیس در حقوق سازمان‌های بین‌المللی، ایفا می‌کند، تخلف از موافقتنامه‌ها، به منزله تخلف از سند تأسیس انگاشته شده است.^{۲۷}

این جایگاه والا و تعالی دادن به موافقتنامه‌های سازمان به میزان برابر با سند تأسیس آن، بیانگر آن است که همان‌گونه که تعهدات اولیه و ماهوی اعضاء، همدیگر سند تأسیس سازمان است، به همان اندازه نیز قواعد ثانویه که دربردارنده قواعد مرتبط با

۲۵. برای مطالعه بیشتر درخصوص چالش‌های فراروی سازمان، نک:

Debra P. Steger, 'The Struggle for Legitimacy in the WTO' in *Peace Through Trade: Building the WTO* (London, Cameron May Ltd, 2004); Thomas Cottier and Satoko Takenoshita, 'Decision-Making and the Balance of Powers in WTO Negotiations: Towards Supplementary Weighted Voting' vol 8 (Vienna, Springer, 2008) 181.15. Claus-Dieter Ehlermann and Lothar Ehring, 'Decision-Making in the World Trade Organization: Is the Consensus Practice of the World Trade Organization Adequate for Making, Revising and Implementing Rules on International Trade?' *JIEL* 8 (2005) p. 51 Marco CEJ Bronckers, 'Better Rules for a New Millennium: A Warning Against Undemocratic Developments in the WTO' *JIEL* 2 (1999), p. 547 Gary Clyde Hufbauer, 'Inconsistency Between Diagnosis and Treatment' *JIEL* 8 (2005) p. 291.

26. See: Daniel Lovric, *Deference to the Legislature in WTO Challenges to Legislation* (Alphen aan Rijn: Kluwer Law International, 2010).

27. Uncan French, Matthew Saul, and Nigel D. White (eds), *International Law and Dispute Settlement: New Problems and Techniques* (Oxford: Hart Publishing, 2010) p. 122.

تخلف از مقررات سازمان است، اهمیت دارد. در این خصوص به نظر می‌رسد علی‌رغم ترسیم نظام حقوقی متوازن و متعادل، با توجه به ترکیب دول عضو و میزان متغیر توسعه‌یافتگی آن‌ها و مشکلات کلی حاکم بر روابط دولت‌ها در جامعه بین‌المللی، همواره این امکان وجود دارد که اعضاء برخی از مفاد موافقتنامه‌ها را نقض نمایند؛ اما آثاری را متحمل گردند که به مراتب، کمتر از نقض یک مقررۀ اساسی باشد و به همین علت، نفع خویش را در تداوم نقض و در عین حال پرداخت خسارت بدانند که این امر با منطق حقوقی انطباق ندارد.^{۲۸}

۵- تأثیرپذیری روابط اعضاء از نقض موافقتنامه‌ها

با توجه به تنوع حقوقی^{۲۹} موافقتنامه‌های سازمان، عصر جدیدی از روابط تجاری چندجانبه جهت «یک قانون اساسی برای تجارت بین‌المللی» ایجاد شده است. یکی از دلایل ناکارآمدی گات، از هم گسیختگی تعهدات و استانداردهای دوگانه بود که در دور اروگوئه، برای مقابله با این نقیصه، مفهوم «تعهد واحد» شکلی از اتحاد را مطرح ساخت. از این‌رو، تمام موافقتنامه‌ها و یادداشت تفاهم‌ها، با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و همگی جزئی از یک معاهده واحد قلمداد می‌گردند. فلذا باید سند تأسیس سازمان، به عنوان یک واحد منسجم که به سمت آزادسازی تجارت جهانی رو به حرکت است، تفسیر شود. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در حالی که ضامته اول و دوم و سوم سند تأسیس از ایده تعهد واحد پیروی می‌نمایند اما ضمیمه چهارم آن با عدول از این امر صرفاً برای اعضاء پذیرنده اعمال می‌گردد. این امر در قسمت بعدی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، یادداشت تفاهم و موافقتنامه‌ها یک «بخش خاص»^{۳۰} قلمداد و هر کدام از آن‌ها محصول مذاکرات جمعی و اجماع چندجانبه می‌باشند. این موافقتنامه‌ها، معاهدات بین‌المللی هستند و باید مطابق اصول تفسیر حقوق بین‌الملل، تفسیر گردند.^{۳۱}

۲۸. به‌طور نمونه درخصوص قضایای مرتبط با ایالات متحد آمریکا، نک:

Jacqueline P. Daniels (edn), *Disputed WTO Cases Involving the United States* (New York, NY: Kluwer Law & Business, 2010).

و در خصوص بررسی آخرین تحولات در قضیه ایالات متحد - قمار، نک:

Albena Peters LATEST DEVELOPMENTS IN THE WTO INTERNET GAMBLING DISPUTE A CHALLENGES AHEAD, *Journal of Internet Law*, (2010) 11, p. 3.

29. Legal dimension

30. sector-specific

31. M. Rafiqul Islam, *International Trade Law of WTO* (UK: Oxford University Press, 2006) p. 567.

با توجه به اینکه اسناد مزبور به صورت فردی و جمعی، جزء لاینفک سند تأسیس می‌باشند و اهداف مهمی را دنبال می‌کنند، اعضاء باید قدردان آن باشند که از نظر حقوقی تعهدات مزبور تحت لوای یک تعهد واحد، قابل اصلاح به هرگونه موجودیت موضوعی یا دوجانبه نیست. این رویکرد می‌تواند، رهیافت «نظام مبتنی بر قانون»^{۳۲} را در آزادسازی تجاری چندجانبه، تقویت نماید.^{۳۳}

همچنین تنوع سیاست‌های حقوقی، افق وسیعی را در پاسخ به تغییر نیازها و انتظارات مشترک جامعه تجاری بین‌المللی، ایجاد می‌کند که اعمال نظام مبتنی بر قانون، می‌تواند آثار مهمی را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضاء، بر جای گذارد. بطور نمونه، مباحث غیرتجاری، همچون محیط زیست، استانداردهای کار، حقوق بشر به وجود می‌آید که سازمان باید توجه خویش را بدان‌ها معطوف دارد. همچنین، ملاحظات سیاسی در تعداد زیادی از قواعد حل اختلاف سازمان سایه افکنده؛ به علاوه حفظ توازن موجود میان اعضاء، اصل حاکمیت ملی، استثنائات سیاسی و عمومی زمینه را برای نقض تعهدات و عمل به منافع ملی اعضاء، فراهم ساخته؛ از این رو، متعاقب نقض مفاد یک موافقتنامه، روابط دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی و حتی فرهنگی دولت‌های عضو، مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

نکته دیگر آن است که تفاهم‌نامه حل اختلاف در خصوص اعضایی که بدو منافع سایرین را زائل نموده و یا به آن صدمه زده‌اند؛ سپس در ظاهر امر مبادرت به اتخاذ اقداماتی جهت تبعیت از تعهدات تجاری خویش می‌نمایند؛ اما متعاقباً اقداماتی انجام می‌دهند تا از موافقتنامه‌ها تبعیت ننمایند، با مشکلاتی روبه‌روست. به عبارت دیگر، عدم تبعیت در جایی اتفاق می‌افتد که چه از طریق عضو شاکی و چه از طریق پندل تبعیت، تأیید شود که اقدام تخلف‌آمیزی به وقوع پیوسته است؛ متعاقباً اقدام مزبور توسط عضو خاطی پس گرفته می‌شود و در ظاهر امر، رفتار متخلفانه مسترد می‌گردد؛ اما پس از گذشت مدتی، سیاست مجدد و اقدام مشابهی توسط همان عضو خاطی وضع می‌گردد که در نتیجه این امر، بحث حق ایجاد شده برای محکوم‌له جهت تعلیق امتیازات یا تعهدات، زائل می‌شود. در چنین مواردی، هیأت اولیه رسیدگی کننده به اختلاف، از بررسی مجدد موضوع در همان پرونده، امتناع می‌ورزد. نتیجتاً، این امکان وجود دارد که به صورت پی‌درپی، نقض تعهد صورت بگیرد و هیأت حل اختلاف یا رکن استیناف،

32. rule-base system

33. Ibid, p. 568.

مواجه با تعدد رفتار متخلفانه باشند ولی مجاز به ورود مجدد به موضوع نقض نباشند. بنابراین، گزینش مقررات سازمان و مراحل حل اختلاف، به نحوی است که در مواردی، به اعضاء اجازه عدم تبعیت می‌دهد، بدون آنکه مواجه با تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات شوند.

قضیه ایالات متحد - نخ‌های بلند، نمونه عملی چنین «سوءاستفاده سیستماتیک»^{۳۴} و بالقوه از تفاهم‌نامه حل اختلاف است که طی آن، ایالات متحد به‌عنوان محکوم علیه در برابر برزیل که محکوم له بود، مبادرت به چنین اقدامی در خصوص یارانه‌ها نمود. در این قضیه داوران درخصوص دادخواهی برزیل برای «نقض مجدد»^{۳۵} رأی به جبران خسارت ندادند.^{۳۶}

توضیح اینکه در این قضیه، بدو هیأت رسیدگی اولیه نظر داد که یارانه‌های پارچه ایالات متحد، در سال ۲۰۰۴ موافقتنامه‌های یارانه‌ها را نقض نموده و رکن استیناف تا اول ژوئیه ۲۰۰۵ به ایالات متحد فرصت داد تا یارانه‌های ممنوع خود را حذف و تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵ نیز لطمات مضر ناشی از یارانه‌های قابل تعقیب خویش را مسترد دارد. سپس ایالات متحد به رأی صادره تمکین نمود و قسمتی از قوانین خویش را اصلاح نمود؛ اما در عین حال سایر یارانه‌های مرتبط با پارچه، ناسازگار با مقررات سازمان باقی ماندند. در این مرحله ایالات متحد به توصیه پنل تمکین نمود و وزارت کشاورزی و کنگره امریکا اقداماتی را در خصوص حذف یارانه انجام دادند؛ اما با این حال، پنل تبعیت دریافت که ضمانت مجوز صادراتی، هنوز به عنوان یارانه ممنوعه، باقی است که کنگره آن را نیز لغو نمود.

نکته قابل توجه در این پرونده آن است که ایالات متحد از طریق وضع پرداخت‌های جایگزین، از توصیه پنل تبعیت ننمود؛ زیرا برنامه جدید وی به پارچه‌های داخلی، یک چهارم سنت در هر پوند، پرداخت می‌نمود که این امر بدان منجر شد که در اثر دخالت سایر عوامل اقتصادی، با وجود یارانه‌های پارچه‌ای در ایالات متحد، برای چند سال، پارچه وارد نگردد. این امر با اعتراض برزیل مواجه شد. برزیل در دعوای خود به داوران بیان داشت که پرداخت جدید یک یارانه ممنوعه تحت موافقتنامه

34. Systematic abuse

35. reviolation

36. David J. Townsend and Steve Charnovitz, Preventing Opportunistic Uncompliance by WTO Members, *J Int Economic Law* (2011) 14(2): first published online July 8, 2011, p. 437. available at: <http://www.jiel.oxfordjournals.org/content/14/2/437.full.pdf>

یارانه‌ها، «بلااثر کردن تبعیت»^{۳۷} است و نقض مجدد ماده ۳ موافقتنامه مزبور است. نتیجتاً داوران از بررسی ادعای عدم تبعیت ایالات متحد، سرباز زدند و در حالی که اقدامات متقابل را برای مقابله با برخی یارانه‌های پارچه‌ای ایالات متحد، مجاز شمردند، از بررسی درخواست برزیل برای تحمیل اقدام متقابل برای نقض مجدد مرحله دوم پرداخت موصوف برای یارانه، خودداری نمودند. داوران با این استدلال که «صلاحیت محدود»^{۳۸} در بررسی انطباق اقدامات با موافقتنامه‌ها دارند، با تکیه بر بند ۵ ماده ۲۱ تفاهم‌نامه، ادعای برزیل را رد نمودند. این قضیه از منظر دیگری نیز در بخش‌های آتی، بررسی گردیده است.

این قضیه نشان داد که دو معضل برای نظام حل اختلاف وجود دارد: اولاً، عضو ناقض می‌تواند مکرراً بدون مواجهه با عواقب اقتصادی و حقوقی تفاهم‌نامه، تمرّد نماید و قواعد مرتبط با تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات را دور بزند. این موضوع «چرخه بالقوه عدم تبعیت بی‌انتهای»^{۳۹} را ایجاد می‌نماید. ثانیاً، بسته به زمان، ماهیت و اثر نهایی اقدام، رویه موجود عضو قربانی را مجبور می‌سازد که «از نو»^{۴۰} یعنی از مرحله اول، حل اختلاف جدیدی را دنبال کند.^{۴۱}

نکته دیگر این است که بر اساس تفاهم‌نامه، جبران‌ها برای عدم تبعیت گذشته و عدم تبعیت فعلی رد شده؛ چراکه اعضا، مواجهه با تعلیق امتیازات یا سایر تعهدات برای زمان گذشته - یعنی «نقض‌های غیرمستمر»^{۴۲} - نمی‌گردند؛ بلکه در عوض، تفاهم‌نامه تعلیق امتیازات و یا سایر تعهدات را صرفاً برای «نقض‌های در حال پیشرفت»^{۴۳} تجویز می‌نماید؛ زیرا این موارد صرفاً در صورت انجام فعل یا ترک فعل یک عضو در اتخاذ اقدامات نا سازگار با موافقتنامه‌ها، تجویز و به صورت موقتی آن هم تا زمانی که حذف آن اقدام ادامه پیدا کند، اجرا می‌گردند. بنابراین در مورد نقض‌های گذشته، حاوی مطلبی نیست و به اعضا اجازه «دور زدن و فرار کردن»^{۴۴} را می‌دهد. بنابراین از این منظر نیز مقررات سازمان نیاز به تعدیل و اصلاحاتی دارند.

علی‌هذا آنچه اهمیت دارد آن است که تأثیر سیاست‌ها و دیپلماسی بر اجرای

37. negated compliance

38. Limited Jurisdiction

39. Potentially Endless uncompliance Cycle

40. De novo

41. David J. Townsend, *op. cit.*, p. 440.

42. non-continuing violations

43. ongoing violation

44. hit and run

تعهدات حقوقی بین‌المللی، انکارناپذیر است. شکایت‌های غیرنقض در سازمان جهانی تجارت، نمونه‌ای از این تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. اگرچه این دادخواهی میراث گذشته‌ای است که همواره مورد انتقاد بوده، اما دامنه و آثار شکایت‌های غیرنقض بر نظام حل اختلاف سازمان نادیده انگاشته و سوءتفاهم ایجاد نموده است.^{۴۵} اگرچه تعداد این نوع شکایت‌ها بسیار اندک بوده و هست؛ اما تنها تعداد کمی از اعضاء سازمان، بر استفاده از این روش جبرانی، به زیان اکثریت اعضاء، بهره جسته و آن را به عنوان یک «تجمل غیرقابل حصول»^{۴۶} دنبال نموده‌اند. در نظر گرفتن تاریخچه مذاکرات این جبران و بررسی تمام ابعاد حقوقی آن، می‌تواند حاکی از آن باشد که نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، نمی‌تواند نتایج مذاکراتی را که منعکس‌کننده مشاجره میان دولت-ملت‌های دارای حاکمیت است، از میان ببرد و یا قصور آن‌ها را در مذاکره، از طریق ایجاد تعهدات حقوقی جدید، جبران نماید. فلذا امنیت و پیش‌بینی‌پذیری نظام حل اختلاف، در معرض خطر است؛ زیرا هیأت‌های حل اختلاف و رکن استیناف، بی‌میل یا ناتوان از تعریف مفهوم حقوقی مبهم «غیرنقض» می‌باشند.^{۴۷}

۶- نقض موافقتنامه‌ها و علل توجیهی آن‌ها

اصولاً استراتژی سیاست تجاری کشورها زمانی محل بحث می‌شود که دولت‌های عضو با ارتکاب اعمالی، اقداماتی را مرتکب شوند که هنجارهای تجارت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهند. نظر به اینکه کشورها در اتخاذ استانداردهای قانونگذاری خودشان، تا جایی که با مقررات سازمان در تضاد نباشد، آزاد می‌باشند، این امر یک «خودمختاری منظم»^{۴۸} به عنوان جلوه‌ای از «اعمال حاکمیت ملی» به آن‌ها اعطاء می‌کند که بحث «صلاح‌دید و حاشیه تفسیر» را نیز مطرح می‌سازد. از این‌رو، اعضاء در برخی موارد آزادی اعمال استانداردهای خود را با توجه به منافع ملی و اوضاع و احوال جامعه خویش، دارا می‌باشند که این امر مورد تجویز و تصویب موافقتنامه گات، گاتس و تریپس قرار گرفته؛ اما مدیریت این دو مقوله، یعنی آزادسازی تجاری و حاکمیت داخلی دول عضو، یکی از مهم‌ترین چالش‌های سازمان قلمداد می‌گردد.^{۴۹}

45. Christophe Larouer, "WTO Non-Violation Complaints: A Misunderstood Remedy in the WTO Dispute Settlement System", *Netherlands International Law Review*, 53 (2006) p. 97.

46. unaffordable luxury

47. Ibid.

48. regulatory autonomy

49. Trebilcock Michael J. and Howse Robert, *The Regulation of International Trade*, (Routledge, TJ International Ltd, 1999) p. 500.

این مهم زمانی نمایان تر می‌شود که بدانیم امروزه مقررات مرتبط با سلامت انسان، حیوان و نباتات، ایمنی، حمایت از مصرف‌کننده، محیط زیست، حقوق بشر و بازارهای کار، توسعه چشمگیری یافته است. از سوی دیگر، تضاد میان موانع غیرتعرفه‌ای، مباحث سیاسی داخلی را نیز تحت تأثیر قرار داده که در این خصوص نیاز به هماهنگ‌سازی است. از سوی دیگر نیز برای استفاده از استثنائات موافقتنامه‌ها، نظم و انتظامی وجود دارد؛ چراکه در برخی موارد در موافقتنامه‌های تحت پوشش، حفظ اقدامات و مقررات مغایر با تعهدات اعضاء، به صورت یک امر موقتی و استثنایی، تجویز نموده‌اند و چارچوب‌ها و محدودیت‌هایی نیز برای اعمال این استثنائات، مقرر داشته‌اند.

از جمله این محدودیت‌ها عدم ایجاد مانع برای تجارت و یا عدم اعمال خودسرانه و تبعیض‌آمیز محدودیت‌های تجاری است؛ اما با این وجود، استفاده از چنین معیارهای کلی، بی‌انتهای و پرمغزی، دامنه‌های وسیعی برای زوال منافع اعضا و لطمه به آن، ایجاد می‌کند؛ به ویژه آنکه ماهیت تعهد اولیه و مسائل تکنیکی و فنی آن نیز باید لحاظ گردد. وانگهی در مواردی نیز تفسیر موافقتنامه‌ها و تشخیص و تطبیق اقدامات با مفاد آن‌ها، به عهده خود اعضا نهاده شده است.^{۵۰} به‌طور نمونه، اقدامات احتیاطی دولت در خصوص امنیت ملی (ماده ۲۱ گات) اقدامات ضدقیمت‌شکنی (ماده ۵ گات)، اخذ عوارض جبرانی، اعمال حفاظت‌ها، موارد استثنایی هستند که عدول از موافقتنامه‌ها و اصول تجاری را تجویز می‌نمایند. این استثنائات کلی بیشترین زمینه را برای توجیه نقض و گسترش اقدامات اعضاء علیه یکدیگر، به وجود آورده است.

به عبارت دقیق‌تر، اگر دسترسی به بازار و انطباق قوانین و مقررات داخلی اعضا با قواعد سازمان را در قالب اصل رقابت منصفانه، مبنای ملاک تعهدات اعضاء قرار دهیم، در این صورت ملاحظه می‌کنیم که در موافقتنامه‌های تحت پوشش، استثنائاتی جهت عدول از برخی تعهدات، به دلیل وجود شرایط اضطراری و یا وجود برخی ملاحظات خاص^{۵۱} به چشم می‌خورند. به‌طور نمونه استثنائات امنیتی مندرج در ماده ۲۱ گات،

50. Christopher Arup, *op. cit.*, p. 76.

۵۱. ملاحظاتی همچون کمبود مواد غذایی، رعایت برخی استانداردها، مقررات طبقه‌بندی و بازاریابی کالا، تنظیم تولید داخلی، حفظ وضعیت مالی خارجی (موازنه پرداخت) تنظیم اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی، حمایت از تولیدکنندگان داخلی در برابر صدمه جدی، حفاظت از منافع امنیتی اساسی و یا اخلاق عمومی، حفظ حیات یا سلامتی انسان، حیوان و گیاه، حفظ منابع طبیعی تمام‌شدنی، نمونه‌های بارزی از این ملاحظات می‌باشند.

ماده ۷۳ تریپس و با اندکی تغییر، بند ۲ ماده ۱۴ گاتس، منافع سنتی اعضاء را مقدم بر برخی تعهدات سازمان می‌داند و به نوعی آن‌ها را جزء معاذیر قانونی تلقی می‌کند.^{۵۲}

جدا از مسأله تفسیر و عدم وجود سابقه و رویه کافی در این خصوص، مسأله چالش برانگیز، چگونگی تشخیص یکجانبه و اولیه خود اعضاء است. مثلاً مفهوم «اطلاعات ضروری» و «منافع امنیتی ضروری» نمونه بارز این موضوع است که نقطه تقابل میان نظام حقوقی غیرمتمرکز سنتی و سازوکار حل اختلاف سازمان است.^{۵۳}

پیامدهای اعمال این استثناء، آن است که اولاً متضمن نوعی تحدید صلاحیت رکن حل اختلاف و توجیهی برای اعمال اعضاست؛ ثانیاً، استثنای امنیتی کماکان جزء حقوق و صلاحیت‌های خود دولت‌های عضو است. اگرچه تلاش‌هایی انجام شده تا معیارهایی را برای استناد به این استثنای به دست دهد؛ مثلاً عنوان شده که باید موازینی همچون معیار مقبولیت، ضرورت، واقعی بودن، حسن نیت، وجود رابطه عینی بین اقدامات و منافع لطمه دیده یا زائل شده و غیره، در اعمال این استثنای، لحاظ گردد؛ اما باز هم یکی از زمینه‌های چالش میان اعضاء به قوت خویش باقی است. بنابراین نحوه تفسیر موافقتنامه‌ها و حاشیه تفسیر و صلاحیت دول عضو و ارکان ذیصلاح سازمان نیز موضوع دیگری است که امکان ایجاد چالش را برای اعضاء در موارد ایجاد مانع، زوال یا لطمه به منافعشان، مطرح می‌سازد. علاوه بر مسائل و مشکلاتی که در بحث تفسیر موافقتنامه‌ها به وجود می‌آید، لازم است که بدانیم، تنوع ملی در تفسیر مقررات، تفسیر مواد استثناء مندرج در گات، گاتس و تریپس و مفسرین آن و تفسیر جبران‌های سازمان در عین حال که می‌توانند پیشرفت تلقی شوند، اما همزمان می‌توانند باعث ایجاد چالش‌هایی برای اعضاء سازمان، به‌ویژه طرفین اختلاف گردند و به سان تیغ دولبه عمل نمایند.^{۵۴}

۵۲. وحید بزرگی، درآمدی بر سازمان جهانی تجارت، (تهران، قومس، ۱۳۹۰)، ص ۲۳.

۵۳. قضیه ایالات متحد - محصولات دارویی، شیمیایی و کشاورزی به عنوان یکی از نمونه‌هایی است که به استثناء تریپس استناد شد، پنل بیان داشت که اگرچه تریپس یک موافقتنامه خاص و دارای استقلال نسبی است ولی جزئی از نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت است که بر اساس تجربه بیش از نیم قرن گات استوار است... لازم به ذکر است که در گات نیز صرفاً چهار قضیه در خلال سال‌های ۱۹۴۹، ۱۹۸۳، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ به این قضیه اختصاص داده شد. وحید بزرگی، همان منبع.

54. Asif H. Qureshi, *Interpreting WTO Agreements; Problems and Perspectives* (New York, Cambridge University Press, 2006), p. 225.

۷- تنوع کشورهای عضو و منطقه‌گرایی

اختلاط اعضاء سازمان و تنوع شمال- جنوب، اگرچه مزیت‌هایی را به دنبال دارد؛ اما باعث ایجاد یک ترکیب نامتجانس میان اعضاء گردیده تا جایی که هر عضوی در جست‌وجوی منافع خویش و به دنبال حداکثر صادرات و حداقل واردات می‌باشد.^{۵۵} این امر، نابرابری‌های عملی و محیط مذاکراتی نابرابری را به وجود آورده است. ماهیت رقابتی اقتصاد بین‌الملل، اشکال مختلف حمایت‌گرایی جدید^{۵۶} و فقدان اراده سیاسی اعضاء نیز بر اثر بخشی سازوکارهای سازمان، اثر منفی بر جای نهاده به گونه‌ای که به «آزادسازی تجاری گزینشی»^{۵۷} در برخی بخش‌ها مانند بخش‌های تولیدی و یا مقررات تجاری گزینشی مانند موافقتنامه کشاورزی و تریپس، دامن زده است.

از سوی دیگر، ایجاد تعهدات موازی منطقه‌ای فی‌مابین اعضاء و استقرار «جزایر هنجاری» متعدد نیز می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای جهت نقض تعهدات اعضاء مطرح باشد و در مواردی، بحث تعارض تعهدات و منافع آن‌ها را مطرح سازد. در این خصوص گزارش ساترلند در سال ۲۰۰۴ که تعدادی از عوامل تأثیرگذار بر تجارت جهانی را برمی‌شمرد، قابل ذکر است؛ در این گزارش موضوعات غیرتجاری و وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه، از مهم‌ترین این عوامل ذکر شده است.^{۵۸}

عدم حق اتخاذ اقدام یکجانبه و مستقل اعضاء در پاسخ به تقاضاهای جمعی، این موضوع را دامن زده که سازمان، باید نگرانی‌های غیرتجاری را نیز مورد توجه قرار دهد.^{۵۹}

همچنین اشتغال سازمان بر خلاف سلف خود، به موضوعات وسیع‌تری همچون تجارت خدمات، سرمایه‌گذاری و مالکیت معنوی، از ناکافی بودن و ناپایداری گات، کاسته است؛ اما به همین اندازه، نگرانی‌ها در بحث وسعت و دامنه نقض نیز افزایش یافته است. مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی، آثار کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت بر حسن اجرای مقررات سازمان دارد. در میان اعضاء، ایالات متحد و جوامع اروپایی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در خواسته‌های جدید و اولویت‌بندی‌های اعضاء دارند که شایسته است، اولویت‌ها و برنامه‌ها بر حداکثر کسب

55. M. Rafiqul Islam, *op. cit.*, p. 573.

56. Neo-Protectionism

57. selective trade liberalisation

58. See: Peter Sutherland and others, *The Future of WTO; Addressing Institutional challenges in the new Millennium*, (Switzerland, Report by the consultative Board, 2004).

59. M. Rafiqul Islam, p. 576.

منفعت اعضاء و حداقل احساس انزوای آن‌ها، قرار گیرد.

در این راستا، تقویت بنیان‌های حقوقی و نهادین بازارهای باز، باتوجه به بحران آسیا در ۸-۱۹۹۷ تنوع سیاسی و اقتصادی را آشکارتر ساخته است. این بحران‌ها، یادآور آن است که لیبرال‌ها و به‌ویژه تاجران آزاد، تحت تأثیر لیبرالیسم سیاسی و حکومت قانون و دموکراسی می‌باشند.^{۶۰} اما ازسوی دیگر، «چندجانبه‌گرایی» در برابر «منطقه‌گرایی»^{۶۱} نیز خطری در برابر مقررات سازمان است؛ زیرا اصل عدم تبعیض که به مثابه قلب تپنده سازمان است، در منطقه‌گرایی تحت خطر جدی قرار می‌گیرد زیرا قواعد و مزیت‌های تجاری به نفع غیراعضاء در مقابل اعضاء، مقرر می‌گردد. از نظر اقتصادی، تجارت منطقه‌ای همیشه درجه‌ای از تنوع تجارت و توسعه تجاری را به همراه دارد و از این‌رو، بالقوه تحریفی بر تجارت جهانی است. از منظر سیاسی نیز نوعی خودتخریبی دوجانبه ایجاد و منجر به نوعی فرقه‌گرایی می‌گردد.^{۶۲}

در بحث حقوق رقابتی و منطقه‌گرایی نیز تعاملات و تضادهایی با موافقتنامه‌ها به وجود می‌آید. در بخش آسیا و چین و اتحادیه اروپا و سازمان‌هایی همچون نفتا، کامسا و غیره، مباحث فراوانی در این خصوص وجود دارد که بررسی مورد به مورد آن، در حوصله این مجال نیست؛^{۶۳} اما آنچه در تجارت جهانی، اهمیت دارد، آن است که

60. Michael J. Trebilcock, *op. cit.*, p. 516.

61. Multilateralism versus regionalism

62. *Ibid.*, p. 519

63. See: Abel M. Mateus and Teresa Moreira, *Competition Law and Economics: Advances in Competition Policy Enforcement in the EU and North America* (Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing Ltd, 2010). Alokesh Barua and Robert M. Stern, *The WTO and India: Issues and Negotiating Strategies* (New Delhi: Orient BlackSwan, 2010). Anestis S. Papdopoulos, *The International Dimension of EU Competition Law and Policy* (Cambridge: Cambridge University Press, 2010). Chia-Jui Cheng, *Customs Law of East Asia* (Alphen aan Rijn: Kluwer Law International, 2010). David Greenaway, *China and the World Economy* (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2010). Dimitris Liakopoulos and Armando Marsilia, *The Regulation of Transnational Mergers in International and European Law* (Leiden, The Netherlands/Boston, MA: Martinus Nijhoff Publishers, 2010). Francis Snyder, *The EU, the WTO and China: Legal Pluralism and International Trade Regulation* (Oxford/Portland, OR: Hart Publishing, 2010). Leslie Alan Glick, *Understanding the North American Free Trade Agreement: Legal and Business Consequences of NAFTA* (3rd ed.) (Alphen aan den Rijn: Kluwer Law International; Frederick, MD: Sold and distributed in North, Central, and South America by Aspen Publishers, 2010). John Malcolm Dowling and Pradumna Bickram Rana, *Asia and the Global Economic Crisis: Challenges in a Financially Integrated World* (Hampshire/New York, NY: Palgrave Macmillan, 2010). M. Sornarajah and Jiangyu Wang, *China, India, and the International Economic Order* (Cambridge: Cambridge University Press, 2010). Massimo Fabio, *Customs Law of the European Union* (2nd rev. ed.) (Alphen aan den Rijn: Kluwer Law International; Frederick, MD: Sold and distributed in North, Central, and South America by Aspen Publishers, 2010). Matthew Lynn, *Bust: Greece, the Euro and the Sovereign Debt Crisis* (Hoboken, NJ: Bloomberg Press, 2011). Peter Muchlinski, *The COMESA Common Investment Area: Substantive Standards and Procedural Problems in Dispute Settlement* (University of London – School of Oriental and African Studies (SOAS), SOAS School of Law Research Paper No. 11/2010). Robert Z. Aliber and Zoega Gilfi, *Preludes to the Icelandic Financial Crisis* (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2010). Yan Luo, *Anti-Dumping in the WTO, the EU and China: The Rise of Legalization in the Trade Regime and its Consequences* (New York, NY: Kluwer Law International, 2010).

وحدت و تقویت نظام حل اختلاف و سیستم‌های جبرانی با پدیده «تکثر» سازوکارهای حل اختلاف، عجین شده و با وجودی که «موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای»^{۶۴} به‌طور فزاینده‌ای روبه رشد هستند^{۶۵}، برخی از آن‌ها مستقیماً با سیستم تجارت چندجانبه سازمان جهانی تجارت، ارتباط پیدا نموده‌اند.^{۶۶}

از این‌رو، یکی از مباحث مطروحه در باب ارتباط تجارت چندجانبه و منطقه‌ای و نظام مسؤلیت، آن است که چگونه باید اقدام متقابل تجاری را در سیاق یک موافقتنامه تجاری منطقه‌ای با مقررات سازمان، سازگاری داد؟ در پاسخ به این سؤال، باید انعطاف‌های گات و استثنای گاتس که به اعضاء اجازه حفظ برخی ترتیبات منطقه‌ای را می‌دهند و همچنین ماهیت اقدام متقابلی را که غالباً به‌طور صریح، توسط سازوکارهای منطقه‌ای تجویز می‌شوند، مورد توجه قرار دهیم.^{۶۷}

در وهله اول، اصطکاک این دو موضوع «نقض‌های مضاعف»^{۶۸} را به‌وجود می‌آورد و سپس بحث صلاحیت مراجع قضایی را مطرح می‌سازد که این موضوع در قضیه ماکس پلانت (دعوی انگلیس و ایرلند) نیز مطرح شد. اکثر نویسندگان با در نظر داشتن موضوع «تکثر» در حقوق بین‌الملل عام، در صدد پاسخ به تضاد بالقوه موصوف برآمده‌اند. در این خصوص ایده‌هایی همچون؛ تکیه بر صلاحیت ذاتی نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، استفاده از نزاکت قضایی برای اجتناب از تعارض صلاحیت‌ها، بهره‌گیری از اصل تناسب، به عنوان راه حل‌هایی مطرح شده است.^{۶۹} اما در هر صورت فارغ از ملاحظات نظری فوق، در سیاق مقررات سازمان،

64. Regional trade Agreement (RTAs)

65. این موافقتنامه‌ها، معاهداتی میان دولت‌ها هستند که به اعضاء، اجازه می‌دهند از شرط رفتار کامله‌الوداد به‌دلیل تبعیت از یک برنامه اقدام آزادسازی که فراتر از یک نظام چندجانبه می‌رود، عدول کنند. امروزه این موافقتنامه‌ها، میان اعضاء، در تمام جهان رشد کرده است.

66. Gabrielle Marceau and Julian Wyatt, "Dispute Settlement Regimes Intermingled: Regional Trade Agreements and the WTO", *Journal of International Dispute Settlement*, Volume 1 (2010) p. 67.

67. نکته قابل توجه اینکه تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۵۰ شکل از این موافقتنامه‌ها به سازمان جهانی تجارت اعلام

شده‌اند و علاوه بر تعداد کمی آن‌ها، دامنه و موضوعات فعالیت آن‌ها نیز بسیار گسترده و متنوع است. Ibid

68. Double Breaches

69. برای دیدن نظرات مختلف در این خصوص، نک:

Kyung Kwak and Gabrielle Marceau, 'Overlaps and Conflicts of Jurisdiction between the World Trade Organization and Regional Trade Agreements' (2003) 41 *Can Ybk Int'l L* 83; Yuval Shany, *The Competing Jurisdictions of International Courts and Tribunals* (OUP, Oxford 2003). Joost Pauwelyn and Luiz Eduardo Salles, 'Forum Shopping Before International Tribunals: (Real) Concerns, (Im)Possible Solutions' (2009) 42 *Cornell Int'l LJ* 77; Andrew D Mitchell and David Heaton, *The Inherent Jurisdiction of WTO Tribunals: The need for a Principled Approach*, (University of Melbourne Legal Studies Research Paper, No. 416, 2010) 32-46.

هیأت‌های حل اختلاف و رکن استیناف در برخورد با مقررات مختلف، ملزم به اعمال مقررات سازمان و موافقتنامه‌های تحت پوشش می‌باشند و صلاحیت ماهوی خویش را تا جایی که با یک مانع قانونی که آن‌ها را از انجام چنین کاری منع ننماید، اعمال می‌کنند؛ کماینکه رکن استیناف، در قضیه مکزیک - مشروبات، تصریح نمود که شرط استثناء مندرج در نفتا را اعمال نمی‌نماید.^{۷۰ و ۷۱}

در مرحله بعد، مشکلی که به وجود می‌آید این است که این امکان وجود دارد که اقدامات متقابل، مبتنی بر توافقنامه‌های تجاری منطقه‌ای، قواعد سازمان جهانی تجارت را نقض کنند که قضیه فوق‌الاشعار نمونه بارزی از این وضعیت در سازمان بود. در این قضیه، قواعد عرفی مسئولیت، حقوق سازمان جهانی تجارت و حقوق حاکم بر موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای، می‌بایستی مورد توجه قرار می‌گرفتند؛ اما آیا ماده ۲۴ گات می‌تواند به عنوان توجیه و دفاع کافی برای توجیه نقض قاعده دسترسی به بازار سازمان جهانی تجارت باشد؟ در پاسخ به این پرسش، مقررۀ روشنی وجود ندارد که بیان نماید، اعضاء می‌توانند اقدام متقابل تجاری که مغایر با تعهدات سازمان باشد، اتخاذ نمایند پس این مورد جزء مواردی است که باید در هر قضیه‌ای با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آن، بررسی شود.

در قضیه ترکیه - منسوجات، هیأت حل اختلاف برای توجیه مندرج در ماده ۲۴ گات، عنوان نمود که اعضا از «حق مشروط»^{۷۲} برای ایجاد موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای برخوردارند. از این رو، رکن استیناف نیز بر واژه «نباید جلوگیری کنند» تکیه نمود و به اثبات این حقیقت پرداخت که ماده موصوف تحت برخی شرایط، ممکن است تصویب اقدامی را که مغایر با برخی از مقررات گات است، توجیه نماید و ممکن است به عنوان یک دفاع احتمالی، جهت یک اقدام ناسازگار، مورد استناد قرار گیرد.

نکته مهم آن است که در راستای بند ۷ ماده فوق، به محض انعقاد موافقتنامه‌های فوق، سازمان باید از آن‌ها مطلع گردد. مع‌هذا تاکنون موافقتنامه منطقه‌ای، به طور جدی مغایر با تعهدات سازمان، شناخته نشده؛ اما همواره عوامل و موانع سیاسی، در تجویز این نوع موافقتنامه‌ها، دخیل می‌باشند. با این وجود، از جمله شرایطی که موافقتنامه‌های

70. Gabrielle Marceau and Julian Wyatt, *op. cit.*, p. 70.

۷۱. موضوع به اینجا ختم نمی‌شود بلکه مشکل دیگری که در این خصوص به وجود می‌آید امکان دادخواهی مضاعف است. فلذا این امکان همواره وجود دارد که تعارض‌ها هم وسیع و هم پیچیده باشند.

72. Conditional right

منطقه‌ای، می‌توانند مورد استناد اعضاء قرار گیرند، موارد ذیل می‌باشد: سازگاری کامل با اقتضات سازمان جهانی تجارت، سازگاری اقدام متقابل سازمان با اقدامات متقابل موافقتنامه‌های منطقه‌ای، اساسی بودن مقرر در موافقتنامه منطقه‌ای.^{۷۳}

در این موارد سه معیار برای ارزیابی انطباق اقدامات متقابل مطرح شده است: نخست آنکه، قبل از ارزیابی هرگونه اقدام خاص اتخاذ شده تحت لوای موافقتنامه‌های منطقه‌ای، عضو ذینفع که به موافقتنامه منطقه‌ای به‌عنوان چارچوبی برای اقدامش متوسل شده، باید نشان دهد که موافقتنامه منطقه‌ای مربوطه، تماماً با ماده ۲۴ گات، انطباق دارد. این امر، ارزیابی موافقتنامه منطقه‌ای بر اساس مقتضیات پاراگراف‌های چهارم، پنجم و هشتم ماده فوق است که به مانند ماده ۴۱ کنوانسیون حقوق معاهدات، در خصوص حقوق اشخاص ثالث است. دوم آنکه، ماده ۲۴ گات و ماده ۵ گاتس، تنها به‌عنوان یک استثناء در ارتباط با موافقتنامه‌های منطقه‌ای، در مواجهه با برخی عوامل مصرحه، قدرت اجرایی دارند و از این رو، صرفاً موافقتنامه‌هایی که قبلاً توسط اعضاء سازمان، مجاز انگارده شده و انطباق آن اعلام گردیده، در چارچوب استناد ماده ۲۴ گات قرار می‌گیرند.^{۷۴} در این راستا، باید زبان و ساختار موافقتنامه منطقه‌ای و قواعد عرفی مسئولیت، به‌طور بالقوه ارزیابی گردد. سوم اینکه، این اقدامات لزوماً به معنای آن نیستند که به تمام وضعیت‌های مشابه، بدون توجه به پیامدهای آن، تسری داده شوند؛ بنابراین پیامدهای حقوقی تعارض موصوف، مورد به مورد باید لحاظ گردد.^{۷۵}

یک عضو سازمان باید آگاه باشد که در تعقیب «همبستگی اقتصادی منطقه‌ای»^{۷۶} با اقتصادهایی غیر از اعضاء، تبعیت از مقررات سازمان، محل نظارت است. تبادل رفتار ترجیحی میان دولت‌ها، منجر به ایفای نقش رفتار کامله‌الوداد می‌گردد؛ چرا که در بخش خدمات، سازگاری با رویه سازمان تضمین می‌شود؛ در حالی که در بخش کالاها، سازگاری با مقررات سازمان، تنها زمانی تضمین می‌گردد که دولت غیرعضو، جزء کشورهای دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی باشد. در بخش ترپیس نیز تبعیت سازمان، تنها زمانی محل بحث نیست که موافقتنامه تجاری منطقه‌ای، حقوق اصلی و

73. Gabrielle Marceau, *op. cit.*, pp. 80-84.

74. See: Lorand Bartels and Federico Ortino (eds), *Regional Trade Agreements and the WTO Legal System* (Clarendon, Oxford 2006), See Also: Jorge Alberto Huerta-Goldman, *Mexico in the WTO and NAFTA: Litigating International Trade Disputes* (Austin, TX: Wolters Kluwer Law & Business, 2010).

75. See: Pieter-Jan Kuijper, 'Does the World Trade Organization Prohibit Retorsions and Reprisals? Legitimate 'Contracting Out' or 'Clinical Isolation' Again?' in Merit E Janow and others (eds), *The WTO: Governance, Dispute Settlement & Developing Countries*(NY, Juris Publishing, Huntington, 2008).

76. Regional Economic Integration

وظایف اعضاء ناشی از موافقتنامه تریپس را تأیید نماید.

ذکر این نکته خالی از فایده نیست که موافقتنامه‌های منطقه‌ای در حوزه تجارت کالا قبل از اجرایی شدن، جهت سازگاری با مقررات سازمان، نیاز به تأیید دو- سوم اکثریت اعضاء سازمان را دارند؛ در حالی که همبستگی اقتصادی در بخش خدمات نیز لازم است و از آنجایی که تجارت با دول غیرعضو، مانع حقوقی ندارد، دول عضو سازمان درحالی که مقررات سازمان را نیز در نظر می‌گیرند، ممکن است مذاکرات فعالانه‌تری را دنبال کند.^{۷۷}

۸- انتقادات ساختاری با تأکید بر عملکرد رکن حل اختلاف

هدف اولیه از تشکیل سازمان، تنظیم مقررات تجاری و کاهش موانع تجاری میان اعضاء است به طوری که به نظر می‌رسد، ایده تشکیل سازمان، توسعه طبیعی فلسفه جامعه ملل باشد و حامیان سازمان را بدان سمت و سو هدایت کرده که از آن، به‌عنوان یک جنبش طبیعی جهانی که در حال حرکت به سوی همکاری تجاری است، یاد کنند. در این میان، کشورهای در حال توسعه، سازمان موصوف را به‌عنوان یک نهاد نامتوازن، مورد ارزیابی قرار می‌دهند که هدف آن حمایت مجدد از ساختار قدرت موجود است. به زعم آن‌ها، بدون انعطاف‌پذیری‌ها در اجرای موافقتنامه‌های تحت پوشش، نابرابری‌ها میان کشورهای در حال توسعه و صنعتی، تشدید می‌گردد.^{۷۸}

در بحث انتقادی در خصوص اینکه آیا سازمان به اهداف خویش نائل آمده یا خیر، عده‌ای معتقدند که سازمان جهانی تجارت به‌طور مؤثری روابط جهانی دوجانبه را ارتقاء نداده که این شکست، عمدتاً به ساختار و عملکرد رکن حل اختلاف باز می‌گردد. از این‌رو، ساختار نورماتیو تفاهم‌نامه حل اختلاف، منجر به تفسیر مضیقی از موافقتنامه‌ها می‌گردد که برای اعضاء متناسب قلمداد نمی‌شود.^{۷۹} همچنین عدم توانایی واکنش سریع به موارد نقض، مشکلات مهمی را برای کشورهای در حال توسعه

77. Won-Mog Choi 'Legal Problems of Making Regional Trade Agreements with Non-WTO-Member States' *J Int Economic Law*, 8 (2005) (4) p. 825.

78. Srividhy, Ragavan Brian Manniny, the dispute settlement process of WTO: A normative structure to achieve utilitarian objectives, *UMKC law review*, 79 (2010), p. 1

۷۹. برای دیدن عملکرد پانزده ساله رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و تحلیل آماری، نک:

Kara Leitner and Simon Lester, 'WTO Dispute Settlement 1995-2010—A Statistical Analysis', *Journal of International Economic Law*, Volume 14, Issue 1, pp. 191-201.

توضیحاً اینکه در این ماخذ، تعداد شکایت‌ها به تفکیک موضوع شکایت و اعضاء مطرح کننده آن، تعداد

تصمیمات پنهان، رکن استیناف و آرای داوری و موضوع تبعیت تحت مقررات خاص، در دسترس می‌باشند.

به وجود آورده است.

نتیجه آنکه بر اساس اهداف کلی سازمان، به جای اینکه همکاری ارتقاء یابد؛ مصالحه‌ای بین اجرای مجدد ساختار قدرت جهانی موجود شده است؛^{۸۰} زیرا سازوکار حل و فصل اختلاف در سازمان به گونه‌ای است که کشورهای توسعه یافته، همواره یک مزیت ممتاز علیه کشورهای در حال توسعه، اعمال می‌کنند و همیشه در جست‌وجوی تثبیت آن می‌باشند و این امر، چیزی جز تثبیت همان سطح سلطه تجاری که ایجاد و تحمیل بازارهای بزرگ‌تر و جدید را لازم ساخته، نمی‌باشد. ایجاد بازارهای جدید، به معنای بسط بازارهای موجود از طریق ایجاد موانع تجاری و پرورش رقابت جهانی، خودش یک مشکل بزرگ است؛ اما در اینجا سوال مهم آن است که چگونه باید موافقتنامه‌ها، اجرا گردند؟

منتقدین معتقدند که رویه نشان داده که ایجاد یک سازوکار مؤثر اجرا، برای تضمین وضع و اجرای قانون، توهمی بیش نبوده^{۸۱}؛ زیرا نظام حل اختلاف سازمان، ویژگی‌های اساسی خویش را از گات به عاریه گرفته و سازمان جهانی تجارت، سازوکار حل و فصل اختلاف مذکور در ماده ۲۳ گات را با یک ماهیت شبه قضایی، در تقویت سازوکار گات، در نظر گرفته است.^{۸۲}

نقایصی که در آیین حل اختلاف وجود دارد، یکی از مهم‌ترین محورهای چالش برانگیز است. از آن جمله، این است که حداقل در تئوری، امتیازات هیأت‌های حل اختلاف، محدود به آن است تا صرفاً مواردی را مورد توجه قرار دهند که تجارت بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به مواردی که اساساً ماهیتی داخلی دارند، سرایت نمی‌کنند.^{۸۳} به‌طور مثال، در اختلاف میان هند و ایالات متحده آمریکا که تمرکز بر تعیین وضعیت حقوقی داخلی احکام ریاست جمهوری هند بود، رکن مزبور، اجباری به در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور هند در خود نمی‌دید تا به حقوق داخلی آن بپردازد. نتیجه این امر، جدایی از مفهوم واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی بود

80. Christopher Arup, *op. cit.*, p. 83

81. See generally: Nicole Telecki, The Role of Special 301 in the Development of International Protection of Intellectual Property Rights After the Uruguay Round, 14 *B.U. Int'l L.J.* 187, 191 (1996); see also: Robert Pechman, Seeking Multilateral Protection for Intellectual Property: The United States "TRIPS" Over Special 301, 7 *Minn. J. Global Trade*, 181-82 (1998), p. 179.

82. Carrie P. Smith, Comment, Patenting Life: The Potential and the Pitfalls of Using the WTO to Globalize Intellectual Property Rights, *N.C.J. Int'l L. & Com. Reg.* 26 (2000) 143.

83. J.H. Reichman, Universal Minimum Standards of Intellectual Property Protection Under the TRIPs Component of the WTO Agreement, *J Int'l Law* 29 (1995) 349. See also: Myles Getlan, TRIPs and the Future of Section 301: A Comparative Study in Trade Dispute Resolution, 34 *Colum. J. Transnat'l L.* (1995) p.173.

که اعضا همراه با آن مواجه هستند و در اجرای تصمیماتشان نقش مهمی دارد.^{۸۴} مسأله دیگر آن است که زمانی که طرفین در جست‌وجوی اعمال اقدامات متقابل هستند، آنچه که به‌طور خاص، «تبعیت» از مقررات و احکام را تشکیل می‌دهد، مبهم باقی می‌ماند که شرح مطلب قبلاً بیان گردید.^{۸۵}

نمونه دیگری از این چالش، آن است که سازوکار حل اختلاف، همواره از این پیش‌فرض غیرواقعی تبعیت می‌کند که تمام اعضا مساوی هستند. سازوکار موصوف اگرچه تساوی قضایی را میان اعضا نابرابر اقتصادی ایجاد کرده؛ لکن چنین رفتاری، معایبی برای کشورهای فقیرتر به‌وجود آورده است. در تئوری، در بند ۲ ماده ۲۷ تفاهم‌نامه، قدرت نامتوازن کشورهای صنعتی و در حال توسعه، پیش‌بینی شده و کمک‌های حقوقی را برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده و در ماده ۲۴ آن نیز در خصوص سازوکار حل اختلاف به نفع کشورهای دارای کمترین حد توسعه یافتگی، به‌نوعی شناسایی قدرت نامتوازن کشورهاست. اما در عمل، انحراف از سیستم موصوف، به نفع کشورهای توسعه‌یافته است.^{۸۶} برای تبیین بهتر موضوع، می‌توان به مطالعه موردی در این خصوص به دو پرونده اشاره کرد:

الف) قضیه هند - حمایت از حق امتیاز برای محصولات دارویی و شیمیایی کشاورزی: در این پرونده، دستور مورخ ۱۹۹۴ رئیس‌جمهور و وضعیت آن در تعامل یا تقابل با مصوبات پارلمان در خصوص محصولات فوق، محل بحث بود. در مقابل ایالات متحد به استناد ماده ۴ تفاهم‌نامه و ماده ۶۴ تریپس، مدعی شد که هند از تعهداتش قصور ورزیده و با شکست مشاوره و مذاکره، موضوع به هیأت حل اختلاف ارجاع گردید. هیأت هم به‌صورت شکلی و هم به صورت ماهوی وارد بحث شد و بند ۸ ماده ۷۰ موافقتنامه فوق را تفسیر نمود و بیان داشت که مطابق ماده موصوف، اعضا متعهد به ایجاد وسیله‌ای جهت تسهیل پر کردن صندوق تقاضاها برای مزایده و ایجاد چارچوب حقوقی برای حمایت از درخواست‌های مزایده شده‌اند و در پایان به این نتیجه رسید که هند بند ۸ و ۹ ماده ۷۰ را به علت عدم ایجاد سازوکارهای قانونی، نقض

84. See: David Tomar, A Look Into the WTO Pharmaceutical Patent Dispute Between the United States and India, 17 Wis. Int'l L.J. 579 (1999). See also: Nadia Natasha Seeratan, The Negative Impact of Intellectual Property Patent Rights on Developing Countries: An Examination of the Indian Pharmaceutical Industry, *St. Mary's Law Review on Minority Issues* (2001).

85. Srividhy Ragvan, Manniny Brian, the dispute settlement process of WTO: A normative structure to achieve utilitarian objectives, *UMKC law review*, 24 (2010), p. 2

86. See: Evelyn Su, The Winners and Losers: The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights and Its Effects on Developing Countries, 23 *Hous. J. Int'l L.* 169, 216 (2000).

نموده است.^{۸۷} با تجدیدنظرخواهی هند، قضیه به رکن استیناف ارجاع شد. رکن استیناف با در نظر گرفتن اصل حسن نیت در تفسیر و با در نظر داشتن ماده ۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات و بیان روش‌های تفسیری، سرانجام به نفع ایالات متحد، حکم صادر نمود که با تبعیت هند در نهایت قانون مربوطه اصلاح گردید.^{۸۸ و ۸۹}

ب) قضیه ایالات متحد امریکا - نخ‌های (پارچه‌های) بلند: این دعوی از سپتامبر ۲۰۰۲ زمانی که برزیل درخواست مشاوره با امریکا جهت یافتن راهی برای جبران خسارت که از قانون صنعت نخ‌های بلند مزارع در سال ۲۰۰۲ و برنامه‌های معمولی از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ ناشی می‌شد، آغاز گردید و به درخواست برزیل، موضوع به پنل ارجاع شد.^{۹۰} سرانجام ادعاهای برزیل، مورد تأیید قرار گرفت و پنل و رکن استیناف اشعار داشتند که حمایت داخلی از یارانه‌ها که توسط امریکا در محصولات پارچه‌ای و کتان از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ اعمال شده، نقض موافقتنامه یارانه‌هاست و تحت مقررات حمایتی موافقتنامه کشاورزی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا سطح حمایت در این سال‌ها از سطوح مربوط به سال‌های ۱۹۹۲ بسیار وسیع‌تر بوده است. در گزارش مصوب رکن حل اختلاف در مارس ۲۰۰۵ امریکا به استرداد برنامه‌های حمایتی غیرقانونی خویش که به صادرکنندگان پارچه و محصولات داخلی پارچه‌ای تسری داده شد، ملزم گردید. اما این امر مورد تبعیت امریکا قرار نگرفت و کنگره امریکا از انجام اصلاحات در قانون فوق، سر باز زد و پس از آن مشکلاتی در اجرای رأی رکن حل اختلاف، به وجود آمد تا جایی که عدم اجرای مناسب احکام صادره، برزیل را به سوی درخواست اقدامات متقابل کشاند و به علاوه تقاضای چهار میلیارد دلار خسارت نمود که سرانجام در سپتامبر ۲۰۰۶، قضیه به علت تعلل امریکا به پنل دوم ارجاع گردید.

در ۳۱ اوت ۲۰۰۹ پنل داوران به ۳ مورد حکم دادند: الف) درخواست یک بار اقدام متقابل (به توناژ ۳۵۰ میلیون دلار) برای قصور ایالات متحد جهت استرداد یارانه‌ها در خلال ژوئیه ۲۰۰۵ و ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶. ب) در راستای بند ۱۰ ماده ۴ موافقتنامه یارانه‌ها، به میزان برابر با تمام صادرات سال مالی اخیر، داوران اقدام متقابل را تجویز کردند.

87. George K. Foster, *Opposing Forces in a Revolution in International Patent Protection: The U.S. and India in the Uruguay Round and Its Aftermath*, *UCLA J. Int'l L. & For. Aff.* 3 (1998), p. 283.

88. Srividhy Ragvan, *op. cit.*, p. 5.

89. Olajumoke Omoniyi Oduwole, *The WTO, Developing Countries and the Doha Agenda: Prospects and Challenges for Trade-Led Growth 17-18* (Geneva, Basudeb Guha-Khasnobis ed., 2004). See also: Michael J. Shumaker, *Tearing the Fabric of the World Trade Organization: United States-Subsidies on Upland Cotton*, *N.C.J. Int'l L. & Com. Reg.* 32 (2007) 547, 580.

90. Dispute Settlement: DS 267, United States-Subsidies on Upland Cotton, http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds267_e.htm, Last visited on 1 March 2013.

ج) درخصوص یارانه‌های ممنوعه اعطایی از آنجایی که برزیل واردات کالا از امریکا را به‌عنوان یک اقدام متقابل، نه عملی می‌دید و نه مؤثر؛ فلذا با وصف اینکه شرایط به حدی جدی بود که تعلیق تعهدات را تحت سایر بخش‌های موافقتنامه تجویز کنند، برزیل تقاضا نمود که تعلیق تعهدات بر اساس گات ۹۴، گاتس و تریپس باشد. در مقابل داوران اشعار داشتند که برزیل قادر نبود، که غیرعملی بودن موضوع فوق در سال مالی ۲۰۰۶ نشان دهد؛ فلذا با توجه به اینکه اقدام متقابل در آن بخش «عملی یا مؤثر»^{۹۱} نیست، این موضوع تجویز نشد. در نهایت در ۲۱ آوریل ۲۰۱۰ طرفین توافق کردند که به راه‌حل مرضی‌الطرفین جهت جبران خسارت دست یازند.^{۹۲}

ملاحظه می‌شود که تأثیر دو پرونده فوق در بحث اجرای موافقتنامه‌ها و تبعیت از احکام صادره در آن است که اولاً تصمیمات رکن حل اختلاف، مرز میان مباحث داخلی و مباحث مربوطه به دسترسی به بازار را کم‌رنگ نموده و با وجودی که موافقتنامه‌ها، مبادرت به تفکیک قانونگذاری داخلی و محدودیت‌های دسترسی به بازار نموده‌اند و آن‌ها را از ایجاد محدودیت و تبعیض غیرمنصفانه علیه واردکنندگان، منع نموده‌اند؛^{۹۳} اما درعین حال، استانداردهایی را که به تعیین حدود آن‌ها می‌پردازد، بیان نموده‌اند و از این حیث، به‌ویژه در ارتباط با اجرای موافقتنامه‌ها، با ابهام و اجمال مواجهیم. این امر، بدان معناست که در هر اختلافی مسئولیت رکن مزبور، صرفاً تعیین این است که آیا محدودیت‌های دسترسی به بازار برای عضو مربوطه، وجود دارد یا خیر که این موضوع، سازوکار حقوقی متفاوتی را برای نظام واحد، ایجاد می‌کند.

ثانیاً، اثر تصمیمات رکن حل اختلاف، برهم‌زننده توازن میان حقوق و تعهدات اعضاست و این در حالی است که در پناه اصل تبادل منافع، حفظ توازن و تعادل، جزء ذاتی فعالیت سازمان است و اهمیت حیاتی برای اعضاء دارد که بدون این امر، خطر اولویت دادن به منافع هر عضو وجود دارد.^{۹۴}

ثالثاً، رکن حل اختلاف، دول قدرتمند را مجاز به سرپیچی از احکام سازمان، از طریق عدم تصویب قوانین در سطح ملی می‌کند و در نتیجه چانه‌زنی در عدم توازن را محافظت می‌نماید. متأسفانه در زمانی که کشورهای قدرتمند، تعهدات خویش را انکار

91. Practicable or effective

92. Srividhy Ragvan, *op. cit.*, p. 9.

۹۳. نک: ماده ۲ موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت.

۹۴. در این خصوص مقدمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت، مقدمه و ماده ۷ موافقتنامه تریپس و مواد ۳ و

۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف، حاوی مقررات مهمی می‌باشند.

می‌کنند، به نظر می‌رسد که رکن حل اختلاف مواجهه با تردید، فقدان قدرت و عدم توانایی لازم در ابزارهای اجرای مناسب باشد که در نتیجه این امر، به نحوی کشورهای فقیرتر، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. فلذا تفاهم‌نامه حل اختلاف فاقد هرگونه شرط صریحی برای در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی ملی کشورهای عضو در تعیین تبعیت ایشان از موافقتنامه‌های تحت پوشش می‌باشد و قصور در گزینش کردن چنین تعهداتی از متون مربوطه، خساراتی را برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌آورد و از این جهت، رکن حل اختلاف ناتوانی خویش را در دستیابی به برخی از اهداف، اثبات نموده است.^{۹۵}

۹- نقایص ناشی از اقدامات تلافی جویانه

از آنجایی که اقدامات تلافی جویانه حاوی ایجاد محدودیت تجاری هستند، مغایر با اصل آزادسازی تجارت قلمداد می‌گردند. اما با در نظر گرفتن اصل تبادل منافع و با در نظر گرفتن پیامدهای نقض تعهد اولیه، تا حدی توجیه‌پذیر است. منتقدین به این اقدامات با تکیه بر ماهیت محدودکننده و مضر آن برای تجارت چندجانبه، اعتقاد دارند که اعمال اقدامات تلافی جویانه، بسان اضافه کردن یک مشکل، بر مشکل دیگری است. از دیدگاه انتقادی، اثربخشی اقدامات متقابل از دوره گات محل بحث بوده و به نظام حل و فصل سازمان جهانی تجارت نیز کشیده شد.^{۹۶} به طور کلی در نه قضیه، رکن حل اختلاف سازمان، مبادرت به تجویز اقدامات تلافی جویانه نمود^{۹۷} که سه مورد از آن‌ها، در خصوص اقدامات تلافی جویانه غیرهم‌عرض بود. لکن در خلال طرح این قضایا، مشکلات عملی ذیل در مقام اجرا حادث گردید؛ الف) فقدان قدرت الزام برای اقداماتی

۹۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص چگونگی کارکرد نظام حل اختلاف سازمان، نک: اریک کانال فورگیز، حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت، مترجم بهزاد ساعدی بناب، ج اول، (تهران، مجد، ۱۳۸۷).

۹۶. از منظر تئوری دام، فودیک، برونکرز، پائولین، مک‌گیورن، چو و سایرین، مؤلفه‌هایی در این خصوص قابل ذکر است: الف) عده‌ای از مفسران در توصیف آثار متناقض اقدامات متقابل، از واژه شلیک به پا بهره جسته‌اند. ب) عده‌ای دیگر، اقدامات تلافی جویانه را امری ضد مولد (Counter Productive) برای کشورهای دارای کمترین توسعه‌یافتگی و کشورهای در حال توسعه می‌دانند؛ چرا که پرداخت هزینه‌های اقدامات مزبور برای ایشان بسیار مشکل است.

Michelle Engel Limenta, Non-Compliance in WTO Disput Settlement: Assessing the Effectiveness of WTO Retaliation from Its Purpose(s), (PhD Thesis, Victoria University of Wellington, 2011), p. 62.

97. EC – Banana III, EC – Hormones, Brazil – Aircraft, US – FSC, US – 1916 Act, Canada – Aircraft II, US – Byrd Amendment, US – Gambling, and US – Cotton.

که حمایت شدید داخلی سیاسی دارند^{۹۸}؛ ب) ضمانت اجرای مستمر، بدین معنا که بر سر آنچه که تبعیت را تشکیل می‌دهد و اعمال بیش از حد آن، اختلاف نظر وجود دارد^{۹۹} که شرح موضوع در قضیه برزیل قبلاً گذشت؛ ج) فقدان ظرفیت اقدامات تلافی جویانه برای کشورهای در حال توسعه کوچک و کشورهای دارای کمترین توسعه یافتگی.^{۱۰۰} این اختلافات منجر به مباحث فراوانی گردیده‌اند که اثربخشی اقدامات متقابل را به چالش کشیدند. این مباحث عبارتند از:

۱. توانایی کشورهای در حال توسعه جهت تحمیل اقدامات تلافی جویانه: این امر در پرونده موز ۳ برای اولین بار مطرح شد.^{۱۰۱} در این پرونده پنل و رکن استیناف نتیجه گرفتند که رژیم موزهای جوامع اروپایی، ناسازگار با تعهدات گات و گاتس است. جوامع اروپایی بدو سعی در اصلاح رژیم خویش نمود؛ اما اکوادور و ایالات متحد، ادعا کردند که مقررۀ اصلاح شده، کماکان تعهدات سازمان را نقض می‌نماید و ایالات متحد بر اساس بند ۲ ماده ۲۲ مستقیماً تقاضای تعلیق امتیازات نمود. پس از صدور مجوز اقدامات تلافی جویانه، تنها ایالات متحد بود که اقدامات موصوف را اجرا کرد؛ اما اکوادور، تقاضای اعمال اقدامات تلافی جویانه تحت تریپس نمود؛ لکن موفق به اجرای اقدام تلافی جویانه مجاز خویش نگردید. اگرچه پنل داوری در این خصوص به مشکلات حقوقی، عملی و سیاسی در این خصوص اشاره نمود اما نتیجه‌ای که از این قضیه می‌توان گرفت، آن است که استفاده از اقدامات تلافی جویانه، علیه دولت‌هایی که از نظر اقتصادی قدرتمند می‌باشند، منافع تجاری عضو متضرر را به خطر می‌افکند. به عبارت دیگر، در چنین مواردی آن‌ها از نظر اقتصادی «به پای خود شلیک می‌کنند».^{۱۰۲ و ۱۰۳}

۹۸. قضیه ایالات متحد - اصلاحیه بیرد، نمونه بارز این مطلب بود.

۹۹. در قضیه جراح اروپایی - هورمون‌ها مشکلات فراتر از اقدامات تلافی جویانه، محل بحث جدی بود.

۱۰۰. در قضیه ایالات متحد - قمار، آنتیگوا و در قضیه ایالات متحد - پنبه‌های نسوز برزیل، اگرچه اقدامات متقابل هم سطح جوابگو نبود اما تهدید به اعمال اقدامات متقابل غیرهم سطح و عمدتاً موافقتنامه تریپس، مشکل اجرا را تا حد زیادی مرتفع نمود. اما باید در نظر داشت که ضرر بالقوه و موثق اقدامات مزبور بستگی به اندازه بازار و اقتصاد کشور اقدام کننده دارد.

۱۰۱. منشأ این اختلاف رژیم موز جوامع اروپایی بود که واردات بدون عوارض موزهایی را که از حوزه پاسیفیک و کارائیب صادر می‌شدند، آزاد کرد.

102. Shoot Themselves in the Foot.

103. Nsongurua J Udombana "A Question of Justice: the WTO, Africa, and Countermeasures for Breaches of International Trade Obligations" *J Marshall L Rev* 38 (2005) pp. 1185-1186. See also: Bryan Mercurio "Improving Dispute Settlement in the World Trade Organization: The Dispute Settlement

۲. امکان وقوع جنگ‌های تجاری:^{۱۰۴} این اتفاق معمولاً در طرح دعوی بین دو قدرت توسعه‌یافته، بروز می‌کند و نمونه عملی آن قضیه جوامع اروپایی علیه ایالات متحد در خصوص قانونگذاری سال ۱۹۸۵ است که بحث بر سر خاتمه یارانه دادن ایالات متحد به شرکت‌های فروش خارجی، مطرح بود و مغایر با گات تشخیص داده شد و متعاقباً در قضایای هورمون‌ها و موز نیز به‌نوعی طرح شد.^{۱۰۵}

۳. اختتام اقدامات تلافی‌جویانه:^{۱۰۶} این امر در قضیه جوامع اروپایی هورمون‌ها پدیدار گشت. اگرچه پنل و رکن حل اختلاف این قضیه را حل و فصل نمودند؛ لکن اختلاف دیگری در خصوص اجرا و تبعیت از احکام صادر، به‌وجود آمد بر این مبنا که جوامع اروپایی مدعی انطباق اقدامات خویش بودند ولی کانادا و ایالات متحد آن را تکذیب می‌کردند. آنچه از این قضیه مستفاد می‌شود آن است که حتی اگر داوران برخی محدودیت‌ها را تحمل کرده و سطحی از اقدامات تلافی‌جویانه را تعیین می‌نمودند؛ اما در زمانی که محکوم له، اقدامات تلافی‌جویان را اعمال می‌نماید، هیچ تضمینی وجود ندارد که چه زمان و چگونه خاتمه یابد.

۴. عدم اجرای مستمر یا تأخیر عملی: اثربخشی و کارآمدی اقدامات متقابل، تحت لوای حقوق سازمان، زمانی که اقدامات مغایر با یک موضوع حساس سیاسی داخلی، تضاد پیدا می‌کند نیز محل بحث است. این امر در قضیه ایالات متحد - اصلاح ببرد، مطرح شد که طی آن دامپینگ مستمر و قانون افسست یارانه‌ای که به‌عنوان اصلاحیه ببرد مشهور شد، به‌عنوان بخشی از توسعه کشاورزی - روستایی، وضع گردید.^{۱۰۷} در این قضیه، انطباق اقدامات، برای ایالات متحد امریکا سال‌ها به طول انجامید و اگرچه مکزیک و جوامع اروپایی، اقدامات متقابل اعمال کردند؛ اما تا زمان حفظ اقدامات ناسازگار توسط ایالات متحد، این اقدامات مؤثر واقع نشدند.

علی‌هذا اگرچه سابقه خوب و مثبتی از رعایت مقررات و احکام صادره وجود دارد، اما باز هم در اندک مواردی شاهد آن هستیم که در مرحله اجرا، اختلاف به ظاهر حل شده یا با عدم اجرا یا صعوبت در اجرا، مواجه گردد. این امر، مسأله بازبینی و اصلاح تفاهم‌نامه را به ویژه در حوزه اجرا در دستور کار دور دوحه، قرار داده است. اما

Understanding Review - Making It Work? JTW 38(5) (2004) p. 840

104. Trade Wars

105. Ragvan, *op. cit.*, p. 9.

106. Post Retaliation

107. *Ibid.*, p. 10.

داده‌های تجربی تأیید می‌کنند که اجرای کنونی، از طریق قدرت‌های نامتقارن طرف اختلاف، برتری دارد و تاکنون گزارش نشده است که یک کشور صنعتی مواجه با عدم تبعیت خوانده جهان سومی باشد و نتوانسته باشد به اقدام تلافی‌جویانه دست یازد.^{۱۰۸}

۱۰- نتیجه

اگرچه سازمان جهانی تجارت دارای نقایصی مانند عدم موفقیت در آزادسازی تجاری به‌طور کامل در برخی بخش‌ها، عدم انتظام استفاده از یارانه‌های تجاری به هم پیچیده و توقف تکثیر موافقتنامه‌های تجاری است؛ اما از بعد ساختاری نهادی، به‌نظر مطلوب می‌رسد؛ زیرا بعد از شش دهه و هشت دور مذاکره تجاری، از بازارهای باز از طریق یک نظام حل اختلاف مؤثر، حمایت می‌نماید. با وجود تنش‌های تجاری و تضاد منافع، نظام مزبور مانع بروز جنگ‌های تجاری شده که توازن در «مقررات خوداجرا» و «اصل تناسب» و «تبادل منافع» نقش کلیدی در این خصوص ایفاء می‌نمایند؛ با این وجود نظام مزبور، از منظر کشورهای در حال توسعه، دارای نقاط ضعف بیشتری است. البته بدون قوه مجریه واقعی و با قوه مقننه ضعیف، تعجیبی ندارد که رویه قضایی سازمان جهانی تجارت، رویه‌ای غنی و توانمند نباشد.

در مجموع به نظر می‌رسد که نقض موافقتنامه‌ها در سه حوزه، یعنی در روابط فی‌مابین سازمان با دول عضو، در ارتباطات فی‌مابین اعضا با یکدیگر و همچنین در روابط فی‌مابین سازمان و اعضا آن با سایر تابعان حقوق بین‌الملل، آثاری را بجا می‌گذارد که در این زمینه، چالش‌هایی دامنگیر دول عضو می‌گردد.

در باب نقض موافقتنامه‌ها، در حدود هجده سالی که از فعالیت سازوکار حل و فصل اختلافات سازمان می‌گذرد، رویه قضایی سازمان مملو از آرای مختلفی است که موفقیتی بزرگ به‌نظر می‌رسد؛ زیرا اکثر شکایت‌هایی که به مرحله گزارش می‌رسند، با یافته نقض پایان می‌یابند و اکثر خواننده‌ها وعده می‌دهند رویه‌ای را که مغایر با موافقتنامه مورد بحث شناخته شده کنار گذارند. این امر ناشی از مؤثر بودن جبران‌ها و قواعد تکامل یافته است. اما این سازوکار دارای نقایصی نیز می‌باشد؛ از جمله اختیارات محدود رکن حل اختلاف در رسیدگی به مباحثی که ابتدائاً ماهیت و وصف داخلی دارند. همچنین در عمل، برابری حقوقی کشورها با توجه به نابرابری اقتصادی آن‌ها، نوعی توازن ایجاد می‌کند که به ضرر کشورهای ضعیف‌تر است. (مانند بند ۱۲ ماده ۲۷

تفاهم‌نامه) قضایای هند، حمایت از اختراع محصولات دارویی، شیمیایی و کشاورزی، ایالات متحد - نخ‌های پنبه‌ای و ایالات متحد - آنتیگوا، حکایت از آن دارند که همواره ترسیم خط دقیقی میان حاکمیت داخلی - همچون قانونگذاری - و تعهدات اعضاء عملی و مؤثر نیست و اگرچه تصمیمات متخذه، ترسیم خط میان مباحث داخلی و دسترسی به بازار را کاهش داده و باعث عدم خودمختاری کشورها شده؛ اما در مواردی نیز تصمیمات اتخاذی، حقوق و تعهدات طرفین را برهم زده و یا تحت تأثیر قرار داده‌اند و این امکان را به اعضاء قدرتمند می‌دهند که از قواعد تبعیت ننمایند.

در این مقال، اهم مواردی که باعث ایجاد مشکلاتی برای دول عضو و ارکان سازمان در مواقع نقض می‌گردند، تشریح شدند. اهم این چالش‌ها از باب تمثیل عبارتند از: تاثیر پذیری روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی اعضاء در مقابله بانقض، استناد به معاذیر و توجیهاتی همچون حاکمیت ملی، استثنائات عمومی و امنیتی گات، گاتس و تریپس، تعارض تعهدات اعضاء، تنوع کشورهای عضو و منطقه‌گرایی آن‌ها، نقایص شیوه‌های جبران و ایرادات ساختاری ارکان سازمان در تقسیم صلاحیت‌ها. در این راستا، برخی اندیشمندان جهت تقویت، ارتقاء کارآمدی و انجام عملکرد مطلوبی برای سازمان و جبران‌های موقتی آن، پیشنهادهایی را نیز مبنی بر اصلاح ساختار سازمان، به روز رسانی موافقتنامه‌ها و شیوه‌های جبرانی متکامل تر و مؤثرتر مطرح نموده‌اند.

فهرست منابع

- امیدبخش، اسفندیار، و سایرین. سازمان جهانی تجارت ساختار، قواعد و موافقتنامه‌ها (مجموعه آموزشی). چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.
- بزرگی، وحید. درآمدی بر سازمان جهانی تجارت. چاپ دوم. تهران: قومس، ۱۳۹۰.
- ساترلند، پیتر. آینده سازمان جهانی تجارت: نگرش اقتصادی. چاپ اول. ترجمه وحید بزرگی و سایرین. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۶.
- فورگیز، اریک کانال. حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت. چاپ اول. ترجمه بهزاد ساعدی بناب. تهران: مجد، ۱۳۸۷.
- لوفلد، آندریاس اف. حقوق بین‌الملل اقتصادی. چاپ اول. ترجمه محمد حبیبی مجنده. تهران: جنگل، ۱۳۹۰.

Books

Arup, Christopher. *The New World Trade Organization Agreements, Globalizing Law Through Services and Intellectual Property*. First edition. UK: Cambridge University Press, 2000.

Bartels, Lorand, and Federico Ortino. Editors. *Regional Trade Agreements and the WTO*

Legal System. First Edition. New York: Oxford University Press, 2006.

Daniels, Jacqueline P. *Disputed WTO cases involving the United States*. First Edition. New York: Nova Science Publishers, 2010.

French, Duncan, Matthew Saul, and Nigel D. White. Editors. *International Law and Dispute Settlement: New Problems and Techniques*. First Edition. Oxford: Hart Publishing, 2010.

Huerta-Goldman, Jorge Alberto. *Mexico in the WTO and NAFTA: litigating international trade disputes*. Austin: Wolters Kluwer Law & Business, 2010.

Islam, M. Rafiqul. *International Trade Law of WTO*. First Edition. Australia: Oxford University Press, 2006.

Jackson, John Howard. *Sovereignty, the WTO, and Changing fundamentals of International law*. First Edition. New York: Cambridge University Press, 2006.

Kuijper, Pieter-Jan, 'Does the World Trade Organization Prohibit Retorsions and Reprisals? Legitimate 'Contracting Out' or 'Clinical Isolation' Again?' In Merit E. Janow and others. Editors. *The WTO: Governance, Dispute Settlement & Developing Countries*. First Edition. New York: Juris Publishing, 2008.

Mavroidis, Petros C. *Trade in Goods: the GATT and the other Agreements Regulating Trade in Goods*. First Edition. New York: Oxford University Press, 2008.

Petersmann, Ernst-Ulrich, *The GATT/WTO dispute settlement system: international law, international organizations, and dispute settlement*. First Edition. Boston: Kluwer Law International, 1997.

Qureshi, Asif H. *Interpreting WTO Agreements; Problems and Perspectives*. First Edition. New York: Cambridge University Press, 2006.

Steger, Debra P. "The Struggle for Legitimacy in the WTO." In Debra P. Steger. *Peace Through Trade: Building the WTO*. First Edition. London: Cameron May Ltd, 2004.

Trebilcock, Michael J. and Robert Howse. *The Regulation of International Trade*. Second Edition. UK: Routledge, 1999.

Journals

Choi, Won-Mog. "Legal Problems of Making Regional Trade Agreements with Non-WTO-Member States." *Journal of International Economic Law* 8: 4 (2005)

Foster, George K. "Opposing Forces in a Revolution in International Patent Protection: The U.S. and India in the Uruguay Round and Its Aftermath." *University of California Journal of International Law and Foreign Affairs* 3 (1998)

Jackson, John H. "The WTO 'Constitution' and Proposed Reforms: Seven 'Mantras' Revisited." *Journal of International Economic Law* 4: 1 (2001)

Larouer Christophe, WTO Non-Violation Complaints: A Misunderstood Remedy in the WTO Dispute Settlement System, *Netherlands Int. Law Review*, 53, (2006)

Leitner Kara and Lester Simon, 'WTO Dispute Settlement 1995–2010—A Statistical Analysis', *Journal of International Economic Law*, 14 (2011)

Marceau Gabrielle and Wyatt Julian, "Dispute Settlement Regimes Intermingled: Regional Trade Agreements and the WTO", *Jnl of Int. Dispute Settlement*, 1 (2010)

Mercurio Bryan "Improving Dispute Settlement in the World Trade Organization: The Dispute Settlement Understanding Review – Making It Work?" *JWT*, 38(5) (2004)

Reichman J.H., Universal Minimum Standards of Intellectual Property Protection Under the TRIPs Component of the WTO Agreement, *Int'l Law*, 29 (1995)

Shumaker Michael J., Tearing the Fabric of the World Trade Organization: United States-Subsidies on Upland Cotton, *N.C.J. Int'l L. & Com. Reg.* 32 (2007)

Smith Carrie P., Comment, Patenting Life: The Potential and the Pitfalls of Using the WTO to Globalize Intellectual Property Rights, *N.C.J. Int'l L. & Com. Reg.* 26 (2000)

Steger Debra P., THE FUTURE OF THE WTO: THE CASE FOR INSTITUTIONAL REFORM, *Journal of International Economic Law* 12(4) (2009)

Su Evelyn, The Winners and Losers: The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights and Its Effects on Developing Countries, 23 *Hous. J. International Law* (2000)

Townsend David J. and Charnovitz Steve, Preventing Opportunistic Uncompliance by WTO Members, *J Int. Economic Law* 14(2) (2011)

Other resources

Limenta Michelle Engel, *Non-Compliance in WTO Disput Settlement: Assessing the Effectiveness of WTO Retaliation from Its Purpose(s)*, PHD Thesis, Victoria University of Wellington, 2011.

Peter Sutherland and others, “*The Future of WTO; Addressing Institutional challenges in the new Millennium*”, Switzerland, Report by the consultative Board, 2004.

Report of the First Warwick Commission, *The Multilateral Trade Regime: Which Way Forward?*, UK, University of Warwick, 2007.

Report, *The WTO, Developing Countries and the Doha Agenda: Prospects and Challenges for Trade-Led Growth*, Basudeb Guha-Khasnobis ed., 2004.

Dispute Settlement: DS 267, United States-Subsidies on Upland Cotton, http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds267_e.htm, Last visited on 1 March 2013

World Trade Organization, “dispute settlement,” accessed March 29, 2014, http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/disp_settlement_cbt_e/c4s2p1_e.htm May 2013

Macmillandictionary, “Nullification”, last visited March 24, 2014, <http://www.macmillandictionary.com/dictionary/british/nullify.html>.

WTO, Nullification or Impairment, last visited July 2, 2013, http://www.wto.org/english/thewto_e/glossary_e/nullification_and_impairment_e.htm.

Violation of the World Trade Organization's Agreements: Challenges Ahead

Mojtaba MOROVVAT (Ph.D.)

Attorney at Law

WTO law links covered agreements with Dispute Settlement Understanding rules. This matter makes the member commitments to compulsory process of negotiation, arbitration, appeal and effective enforcement that ultimately their goals are elimination of violation without costs and damage to the trade relations. With regard to all WTO achievements, rather there are some obstacles in WTO laws, so that some scholars have mentioned them as a (legitimacy crisis) .in this view there are some fundamental challenges for World Trade organization; such as, WTO universality and the problem of integrating trade liberalization, erosion in the non-discrimination s principle, state sovereignty base of members, lacking Solidarity and Coordination with governmental organizations, lacking transparency in relation with Civil Society, Deficits in the dispute settlement system, unstable and mutable form, effects arising from official Decision making, political Considerations, some process that are Occasionally ineffective and the weak role of WTO director general. Furthermore when Agreements are violated, in particular, it has some challenges between members and WTO Organs that damages contractual relations between members. The violation has direct effect on WTO Favorable function and compensation. Therefore in this article analyzing challenges arising from violation of the WTO agreements is the main debate.

Keywords: World Trade Organization, nullification or impairment of benefits, covered agreements, dispute settlement.

Journal of **LEGAL RESEARCH**

VOL. XII, No. 2

2013-2

- Arbitration and the Peaceful Settlement of International Disputes
Seyed Jamal SEIFI
- Legal Aspects of the Geneva Joint Plan of Action 2013
Nader SAED
- Violation of the World Trade Organization's Agreements
Mojtaba MOROVVAT
- The Attitude toward Justice and Justice-oriented Concepts
from viewpoint of Foundations of International Law
Akbar ADIBI
- Breaching Human Rights in Bahrain
Mehrdad MOHAMMADI
- Explaining the Export and Transfer of Pollution in International law
Seyed Hadi PAZHOUAN
- Liability of Carrier toward Goods under International Conventions
Mehrasa MOHEBI
- Introduction to the Online Library of SDIL
Elham Sadate ALVANKAR



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study